

دردام نظریه امپریالیستی - مائوئیستی «سازش دو ابر قدرت» نیفتیم

نامه
مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم ، سال دوم ، شماره ۴۵
یکشنبه ۲ اسفند ۱۳۵۹ ، مطابق با
۱۶ ربیع الثانی ۱۴۰۱ - ۱۵۰۴ ریال

تاکتیک مشترک
ریگان ولیبرالها و مائوئیستهای
آمریکائی درباره «خطر»
حزب توده ایران

- * تئوری «سازش دو ابر قدرت» تنها برای منحرف ساختن مبارزه بر ضد امپریالیسم آمریکا و پوشش دسیسه‌های آن علم میشود!
- * عوامل امپریالیسم آمریکا برای پیشبرد هدفهای ضدانقلابی خود «خبر» سفارش میدهند!
- * مهم‌ترین راه غلبه بر گرانی مبارزه با سرمایه‌داران وابسته است!
- * متاسفیم که در ویژه‌نامه «مجاهد» بمناسبت سالگرد انقلاب، عناصر لیبرال و ضدانقلاب تطهیر میشوند!

صفحه ۷

آیا منظور «ریگان» از دولت «معتدل» و «میان‌رو» سفاک‌ترین دیکتاتوری است؟

پس کرسی قدرت بنشاند. باینجهت در محاسبات سیاسی خود، طرق و شیوه‌های دیگری را نیز برای تأمین سلطه و نفوذ خویش گنجانیده است. به‌زود اداهای کشور خود مراجعه کنیم:

امپریالیسم برای مقابله با جنبش ملی‌کردن نفت و سرنگونی دولت ملی و قانونی دکتر مصدق، توانست با توسل به کودتای آمریکائی ۲۸ مرداد، نظام دلخواه خود، یعنی رژیم ضدملی و استبدادی محمدرضا را بر سر کار آورد. اگر برای امپریالیسم آمریکا مقدر بود که برای مقابله با انقلاب ۲۲ بهمن هم متوسل به کودتا شود، مسلماً لحظه‌ای تردید نمی‌کرد و بدست ژنرالهای مزدور خود در ارتش شاهنشاهی، دست به کودتا میزد. چنانکه چنین نقشه‌ای وجود داشت. ولی هم‌شرایط جهانی و هم اوج رگسترش انقلاب در ایران، دستهای او را برای «کودتا» زنجیر کرد.

و بدینجهت امپریالیسم آمریکا، هم در آستانه پیروزی انقلاب و هم پس از آن در اینجهت نیز تلاش فراوان کرد که، اگر نتوانست رژیم مزدور و خیانتکار محمدرضا را با یک کودتای نظامی و با مخشن‌ترین دیکتاتوری، سرپا نگاه دارد، حداقل مانع از به‌قدرت رسیدن مسلمانان «تندرو» شود «میان‌رو»ها و عناصر «معتدل» را کمک دهد، تا در راس قدرت جای گیرند، و سپس انقلاب را از سیر بسوی تعمیق بازدارند، آنرا مسخ کنند و در درازمدت سلطه امپریالیسم را احیا کنند. گواه این مدعا اسناد جاسوسخانه آمریکا است.

اسناد جاسوسخانه آمریکا نشان میدهد که در آستانه پیروزی انقلاب، بخش مهمی از مساعی امپریالیسم آمریکا جلوگیری از به‌قدرت رسیدن روحانیت مبارز به رهبری امام خمینی و تقویت عناصر «میان‌رو» و بقیه در صفحه ۴

«کودتا» سرهم‌بندی کند. اما اکنون تناسب قوا در جهان به‌سود نیروهای مرفعی و صلح تغییر کرده و امپریالیسم دیگر قدر قدرت نیست. در این شرایط نوین، همیشه برای امپریالیسم این امکان وجود ندارد که از راه «کودتا» و یا «اشغال نظامی» دولت باطبیع خود را در کشور مورد نظر

«دکتر روابط عمومی رئیس‌جمهور»، در نوشته‌ای که در پاسخ به مقاله نامه «مردم» منتشر ساخته، برای تأیید نظر آقای بن‌صدر که: «ریگان در کار تدارک دیکتاتوری در ایران است» و از گون‌جلوه دادن نظر صریح ریگان، که: «خواستار روی کار آمدن یک دولت «معتدل» و «میان‌رو» است»، که با امپریالیسم آمریکا کنار بیاید، می‌نویسد:

«معتدل‌ترین حکومتها در منطق امپریالیسم، دیکتاتورترین و سفاک‌ترین حکومتهاست، که به قیمت سفاکانه‌ترین سیاستها رابطه «معتدل» کشورشان را با امپریالیسم آمریکا پاسداری کنند... در هر کودتای آمریکائی که برای حفظ اعتدال انجام می‌یابد، خشن‌ترین دیکتاتورها سر بر آورده است.»

این دعوی «دکتر روابط عمومی رئیس‌جمهور» برای اثبات این ادعاست که گویا امپریالیسم برای تأمین منافع و استقرار سلطه خود، فقط «کودتا» میکند و فقط در تلاش روی کار آوردن «خشن‌ترین دیکتاتوری» است.

ولی این دعوی با واقعیات زمان ما تطبیق نمیکند.

هدف امپریالیسم پیشبرد سیاست غارتگرانه و سلطه‌جویانه خود در جهان کنونی است. و امپریالیسم برای تحقق هدف خود با توجه به شرایط جهان و شرایط مشخص هر کشور، از شیوه‌های گوناگون استفاده میکند که دو خط اساسی دارد: مسخ انقلاب و یا سرکوب انقلاب.

در دورانی که تناسب قوا در جهان به‌سود امپریالیسم و ارتجاع بود، امپریالیسم بسبوت می‌توانست در هر کشوری که منافع خود را در خطر ببیند و حکومتی و رژیمی را سد راه منافع نامشروع خود تشخیص دهد، یا به «اشغال نظامی» مستقیم آن کشور دست‌نزد و یا بوسیله آیدای خود

در صفحات بعد

آذربایجان غربی را دریابید

صفحه ۴

جبهه آزادپخش بحریین برای استقلال واقعی بحریین پیکار میکند

صفحه ۶

سال دفاع و تولید در نیکار اگوئه

صفحه ۶

در شرایطی که امپریالیسم، بر سرکردگی امریکای جهانخواه، با تب و تاب و در تلاش روی کار آوردن دولت «معتدل» و «میان‌رو» و ایجاد انواع کانونهای توطئه و تشنج و درگیری و جنگ تحمیلی و تدارک دخالت مستقیم نظامی علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است، رئیس‌جمهور آمریکا، رونالد ریگان، برای انحراف افکار عمومی از توجه به این خطر اصلی و واقعی، در یکی از مصاحبه‌های خود با مطبوعات آمریکا، از «خطر» حزب توده ایران صحبت میکند. از میگوید:

«در ایران خطر بزرگتری از سوی چه وجود دارد. حزب کمونیستی توده وابسته به مسکو، تنها منتظر آنست که آشفتگی و سردرگمی در ایران بدرجه‌ای برسد که به آنها امکان آغاز عملیات بدهد.»

این دروغ ریگان، که نماینده مرتجع‌ترین و هارترین جناح انحصارات آمریکائی است، تکرار دروغ کهنه و مبتذلی است که امپریالیسم آمریکا در آستانه کودتای خائنانه ۲۸ مرداد هم درباره نفوذ «کمونیست‌ها» و «خطر» حزب توده ایران اختراع کرد و انتشار داد، و امروز بی‌پایگی آن بر همگان آشکار است. آرزوی روزنامه «شاهد» مظفربقائی و مجله «تهران‌منصور» عبدالله والا و مطبوعات دیگری از این دست، با امپریالیسم آمریکا هم‌نوائی داشتند و دروغ‌های آنرا تشخو از میکردند و امروز نشریات وابسته به لیبرالها و مائوئیستهای آمریکائی هستند که این وظیفه را برعهده گرفته‌اند و هم‌صدا با «ریگان»ها «خطر» حزب توده ایران را تبلیغ می‌کنند.

عناصر سازشکار و تسلیم طلب که انقلابشان با رفتن شاه به پایان رسیده، نگران و بینکاز تداوم انقلاب مردم، هر گام ضد امپریالیستی و خلقی را که در جهت تعمیق انقلاب برداشته شود، به «افتاء ایدئولوژی» از سوی حزب توده ایران تعبیر میکنند و چون خوشبختانه تعمیق انقلاب شتاب گرفته، قانون اصلاحات ارضی انقلابی بنه تصویب رسیده، بازگشت خارجی در شرف ملی شدن است، حدود مالکیت خصوصی باید تعیین شود، ملی شدن‌ها بسود خلق ادامه یافته، نظام قانونی گسترش می‌یابد و جنبه ضد امپریالیستی و بویژه ضد آمریکائی انقلاب تشدید شده، بدروغ چنین می‌نمایند که «توده‌ای»ها همه‌جا نفوذ کرده، همه امور را در دست گرفته‌اند و «افتاء ایدئولوژی» میکنند، تا به این وسیله - به خیال خود - بتوانند جلوی تعمیق انقلاب را بگیرند.

«میزان»، ارگان لیبرال‌ها، حتی جنبش ضد آمریکائی مردم ایران را که با پذیرش شاه ملعون از سوی آمریکا و خودداری وزیر امور خارجه وقت، قطب‌زاده، از صدور اعلامیه رسمی و محکوم ساختن دولت آمریکا، به اوج رسید، نتیجه «جو سازی» نامه «مردم» میدانند که گویا «دوستان تادان در ۱۵ این جو سازی افتادند!» (میزان - ۱۳ بهمن ۵۹) لیبرال‌ها نه فقط تعمیق جنبه ضد امپریالیستی انقلاب را نتیجه «افتاء توده‌ای»ها میدانند، بلکه معتقدند که هر بلایی بر سر آنها آمده و منجر به برکناری‌شان از راس قدرت شده، از سوی حزب توده ایران است و چون خود را محور میدانند و خسران خود را بقیه در صفحه ۴

ضدانقلابی‌های فراری توطئه‌های گسترده‌ای را تدارک می‌بینند

است (تنها نیم میلیون در آمریکا بس میزند). بگفته پیتروسان، گزارشگر این برنامه، ضد انقلابیون «همه یک آرزوی مشترک دارند، و آن سرنگونی رژیم انقلابی ایران است.

در اینجا، بار دیگر، این سؤال مطرح میشود، که چه

حامیان آمریکایی و ارتجاعی آنها، بموجب این گزارش، شماره این باصطلاح «تبعیدی»ها (یعنی ضدانقلابیون فراری و فراری داده شده)، که در اهم کشور-های امپریالیستی پراکنده شده‌اند، متجاوز از نصد هزار

شبکه تلویزیونی «ان. بی. سی» ایالات متحده آمریکا گزارش زیر عنوان «تبعیدیهای خشمگین ایران» پخش کرده است، که انتقادی است به ابعاد وسیع توطئه‌های ضد انقلاب خارجی و داخلی و

در ۲ روز گذشته: تلاش دشمن متجاوز برای تصرف نقاط استراتژیک ایلام خنثی شد

در ادامه نبرد عادلانه رزمندگان انقلاب با تجاوزگران صدامی، ضربات مهلک دیگری بر پیکر قوای دشمن وارد آمد.

ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران در اطلاعیه شماره ۴۱۱ خود گوشه‌ای از عملیات رزمندگان انقلاب را در شب و روز ۳۰ بهمن، اعلام کرده است. در این اطلاعیه از جمله آمده

در ادامه نبرد عادلانه رزمندگان انقلاب با تجاوزگران صدامی، ضربات مهلک دیگری بر پیکر قوای دشمن وارد آمد.

ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران در اطلاعیه شماره ۴۱۱ خود گوشه‌ای از عملیات رزمندگان انقلاب را در شب و روز ۳۰ بهمن، اعلام کرده است. در این اطلاعیه از جمله آمده

۱- در نتیجه اجرای آتش رزمندگان مستقر در منطقه گیلانفرت چند سنگر دشمن به آتش کشیده و یک انبار مهمات آنها نابود شد. همچنین با فعالیت دلوران جنگنده ما راه تدارکاتی دشمن در این ناحیه سد شد و تعدادی از عناصر بقیه در صفحه ۴

آیا منظور ریگان...

بقیه از صفحه ۱

«معتدل» بوده است. «سولیوان» سفیر پیشین آمریکا در ایران، میگوید: «هر گروه میانه‌رو و متمایل به غربی که به مبارزه علیه مالاها برخیزد، در مورد او بعنوان یک گروه «مترقی» با علاقه تمام تبلیغ خواهیم کرد.»

اگر امپریالیسم آمریکا در آستانه پیروزی انقلاب، قادر به انجام کودتا بود، دیگر نیازی به «تبلیغ» برای گروههای «میانه‌روی متمایل به غرب» نداشت. حکومت ژنرال‌ها و یا سرسپردگان را در رأس قدرت می‌نشانند و بسا خیال راحت مطالع خود را دنبال میکرد. اما معلوم شد که آمریکا - با اینکه نقشه کودتای داشت - ولی توان این کار را نداشت.

پس از پیروزی انقلاب نیز، امپریالیسم آمریکا، در همانحال که نقشه کودتا، و سرکوب انقلاب از آرزوهای راتحاد تجاوز مستقیم نظامی در آنجا دارد (تجاوز نظامی طیس، کودتای نوژه، جنگ تجاوز کارانه رژیم صدام، حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس و...) با توجه به شرایط خاص ایران و انقلاب ایران، توطئه مسخ انقلاب ایران را از راه روی کار آوردن دولت «معتدل» و «میانه‌رو» نیز با پیگیری دنبال میکند.

در این زمینه، از جمله استعمل، مامور جاسوسخانه آمریکا در نامه‌ای به وزارت خارجه آمریکا (مهر ۱۳۵۸) می‌نویسد:

«در این موقع حساس، هیچ دولتی قادر نیست که حکومت ایران را سرنگون کند» زیرا نظام جمهوری اسلامی ایران «اثر

ضد انقلابی‌های...

بقیه از صفحه ۱

در برنامه نامبرده گفته شده است: «علی‌امینی تازه‌ترین رهبر ایرانیان تبعیدی است» که از ضدانقلاب داخل و خارج خواسته است تا برای مخالفت با آیت‌الله خمینی با یکدیگر متحد شوند.»

باغتراف برنامه «ان بی سی»، «اویسی و بختیار اینروزها به خاطر صدام حسین، رئیس جمهوری عراق، تا حدی وجهه خود را از دست داده‌اند. گفته میشود که صدام پول زیادی به آنها پرداخت کرده است. زمانی که عراق به ایران حمله کرد، بسیاری از ایرانیان اویسی و بختیار را به خیانت متهم کردند.»

البته این اعتراف بمضای آن نیست، که دولت آمریکا بکلی از این نوکران خود قطع امید کرده است. برعکس، «چند روز پیش اعضای آخرین گسائینه بختیار (۱)، در جلسه‌ای مخزمنانه، برای بررسی و بحث در اطراف نقشه‌ها و طرح‌های خود بسا یکدیگر ملاقات کردند.» از سوی دیگر، اویسی در مقر فرماندهی‌اش در حومه پاریس، که فاصله چندانی با دفتر بختیار ندارد، نقشه‌ها و طرح-

های نظامی را تهیه و بررسی میکند.

در این بین، ضدانقلابیون، سرکردگان، جدیدی هم پیدا کرده‌اند، مانند احمد مدنی، که داینگ بحال تبعید در آلمان (غربی) بس میبرد. اما پولی برای تشکیل ارتش نظامی در اختیار ندارد.»

باین ترتیب، بار دیگر اعتراف میشود که نه تنها دولت آمریکا چتر حمایت خود را بر روی سران ضدانقلابیون گسترده است، بلکه فرانسه و آلمان غربی و... نیز، که بزعم برخی، دیاران ما در نبرد با ابرقدرتها هستند (۱)، با نقض بدیهی‌ترین اصول دیپلماتیک به دسیسه‌گران فعال علیه جمهوری اسلامی ایران پناه میدهند و به آنها هم‌جانابه کمک میکنند.

بدیهی است که نوکران سر-سپرده و «اسلامی» امپریالیستها در منطقه نیز بیچیزی نیستند. خواهند از این بابت از اربابان خود عقب بمانند: عین گزارش ان بی سی، در این باره چنین است:

«آوردن ممکن است بزودی يك ایستگاه رادیویی در اختیار خاندان سلطنتی ایران (۱) قرار دهد و گفته میشود که به ارتش

تبعیدیان ایرانی نیز اجازه داده است که از مرزهایش بگذرند. عربستان سعودی نیز همراه با عراق به آنها کمک مالی میکند. هصر خانواده پسادشاه فقید (۱) ایران را در خاک خود جای داده است و گزارش میرسد که فرقیه نیز به سران ضدانقلابی اجازه داده است در خاک آن کشور آموزش ببینند. هر چند که دولت ترکیه آنرا انکار میکند.

ظاهرا پس از شکست تجاوزات بی‌دردی در خارج و از دست رفتن پهانه دگروگانگیری، ضد-انقلاب اینک به جناح داخلی خود و کوه‌بینان، بیش از پیش چشم امید دوخته است.

گزارش ان بی سی، در این باره چنین ادامه میدهد:

«مخالفان خمینی همه به يك هجوم نظامی برای سراندازی آیت‌الله خمینی معتقد نیستند. آنها میگویند که ضدانقلاب باید از خیابانها و از درون بازار و در داخل ایران قد برافرازد... از بازگشتگان ایرانی و دیگر افراد فعال در بخش‌های اقتصادی خواسته شده است، بسه يك اعتصاب همگانی دست بزنند.»

باین ترتیب امپریالیسم که به میزان همیستی استعمارگران

و مستکبرین با توطئه‌های براندازی خویش واقف است، تکیه خود را بر آنها نهاده است.

در پایان گزارش این شبکه امریکائی نقش رهبری ضد-انقلاب بومی از سوی امپریالیسم آمریکا و متحدانش به گونه‌ای «متواضعانه» چنین توصیف میشود: «چنین بنظر میرسد که تبعیدیان ایرانی بطور کلی پذیرفته‌اند که بدون برخورداری از حمایت غرب نخواهند توانست کاری بیشتر از ادامه مخالفت با رژیم اسلامی انجام دهند» (۱)

اعترافات نامبرده بار دیگر وسعت و ابعاد توطئه‌های براندازی امپریالیسم آمریکا و متحدان آن و ضدانقلاب خانگی را نشان میدهد، که ما بی‌وسه نسبت به آن هشدار داده‌ایم.

باید بیش از پیش هشدار بود و در دام کسانی که میخواهند «دشمن» تصنعی و غیرواقعی برای انقلاب برآشند و انظارو افکار را از آمریکا و متحدینش منحرف کنند نیفتاد. تنها با هشجاری و اتحاد میتوان دسیسه‌های خائنه و تجاوز کارانه را کماکان به آمریکا یا همدستی تبعیدیان خشمگین، هم ه غلطی نمیتواند بکند.

تاکتیک مشترک...

بقیه از صفحه ۱

خسران انقلاب و اسلام و کشوره فریاد سر داده‌اند که باید متوجه «خطر» توده‌های ما بود، همانطور که «ریگان» توده‌های ما را «خطر» بزرگتر» میخواند، همانطور که ضدانقلاب فراری سرشناسی مانند «پنی‌احمد» نماینده مجلس شاه مملون از قلب پاریس از «خطر» حزب توده ایران صحبت میکند، همانطور که رادیوهای ضدانقلابی خارج از کشور «خطر» حزب توده ایران را «دوره» گرفته‌اند.

در شرایطی که انقلاب ایران، آماج مستقیم توطئه‌های امپریالیستی است و ضدانقلاب داخلی بر حداث فعالیت‌های ویرانگرانه خود در جمیع جهات افزوده است، لیبرالها و مائوئیستهای امریکائی بر روی این واقیعات خطرناک برای انقلاب، چشم بسته‌اند و درباره چیزی سخن برآکی می‌کنند که واقیعت ندارد و ساخته کارخانه دروغسازي و سازمانهای جاسوسی امپریالیستی است.

اما آیا لیبرال‌ها و مائوئیستهای امریکائی از سر اشتباه و سب و دروغهای آنها را تکرار می‌کنند؟ آیا لیبرالها و مائوئیستهای امریکائی بواقیعت نمیدانند انقلابی که بسمت مردم محروم و زحمتکش کشور ما به پیروزی رسیده است، انقلابی که دو خصیصه ممتاز آن، جنبه ضد امپریالیستی و خلقی آنست، برای تیل بسه پیروزی قطعی و نهائی، راهی جز تعمیق و گسترش خود ندارد و پشتیبانی حزب توده ایران، که چهل سال است در راه استقلال و آزادی ایران و بهروزی مردم محروم مبارزه می‌کند، از تعمیق و گسترش انقلاب، «القاعه ایدئولوژی نیست»؟

اگر حزب توده ایران خطر برای امپریالیسم، خطر برای منافع سرمایه‌داران وابسته و زمینداران بزرگ و طبقات مستکبر قلمداد شود، واقیعت گفته شده است، و ما افتخار میکنیم که در طول موجودیت حزب خود پرچم مبارزه علیه امپریالیسم، بسر-کردگی آمریکا و ارتجاع را برافراشته داشته‌ایم. و امروز همین امپریالیسم و ارتجاع جهانی، به سرکردگی امریکا است که به دروغ حزب ما را «خطر»ی برای انقلاب وانمود میکند.

دروغ‌برآکی درباره «خطر» حزب توده ایران، حزبی که ما

تمام نیرو و امکان خود، بسا صمیمیت و فداکاری - تا حد اینار جان از جانب گروهی از بهترین فرزندان خود و فرزندان خلق - از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران پشتیبانی کرده است و میکند، سه هدف دارد: منحرف کردن افکار عمومی از خطر اصلی و واقی علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران - خطر سرکردگی امریکا و ضدانقلاب پرورده‌اش، و آدار کردن مسلمانان انقلابی به موضع گیری خصمانه علیه حزب توده ایران و تلاش برای سست کردن آنان در اتخاذ و پیشبرد مواضع انقلابی در جهت تشدید مبارزه ضد امپریالیستی و تعمیق انقلاب.

امپریالیسم و ارتجاع جهانی، بسرکردگی امریکا و ضدانقلاب پرورده‌اش، البته بوظیفه خود عمل میکنند. ولی نیروهای انقلابی مسلمان پیرو خط امام خمینی باید هشیارباشند و در دام سه گانه انحراف نظر از خطر اصلی و واقی و سست شدن در مواضع انقلابی و برخورد خصمانه علیه حزب توده ایران نیفتند. نیروهای انقلابی مسلمان پیرو خط امام خمینی باید بدانند که انحراف نظر از خطر اصلی و واقی و سست شدن در مواضع انقلابی، یعنی بازکردن راه برای مسخ انقلاب و در نتیجه شکست انقلاب. نیروهای انقلابی مسلمان پیرو خط امام خمینی باید بدانند که تا زمانی که آنها در مواضع ضد-امپریالیستی و انقلابی قرار داشته باشند، امپریالیسم و ارتجاع جهانی، بسرکردگی امریکا و ضدانقلاب پرورده‌اش، خسته نخواهند شد که آنها را «دکونیست» و توده‌های بنامند. لذا تیری جستن از ایسن برچسب با برخورد خصمانه به حزب توده ایران، دردی را دوا نخواهد کرد. برعکس، چنین روشی به تشدید اختلاف و پراکندگی بین نیروهای انقلابی مسلمان پیرو خط امام خمینی منجر خواهد شد که باز بسود دشمنان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است.

ما بار دیگر به همه نیروهای انقلاب مسلمان پیرو خط امام خمینی هشدار میدهم که بسا هشجاری و آگاهی خود، این توطئه امپریالیسم و ارتجاع جهانی، بسرکردگی امریکا و ضدانقلاب پرورده‌اش و لیبرال‌ها و مائوئیست-های امریکائی همزیانش را نیز با درایت خنثی کنند.



منهدم و غرق شد.

۶- سوسنگرد بطور پراکنده زیر آتش توپخانه و خمپاره-اندازهای دشمن قرار داشت. نیروهای ما نیز با زیر آتش قرار دادن مواضع دشمن متجاوز در این منطقه به آنها پاسخ دادند.

۷- چهار فروند هواپیمای مهاجم عراقی که در شهرهای جنوب ظاهر شده بودند با رد گیری و تمییب هواپیمای گشت متواری شدند.

همچنین برپایه گزارش خبر-گزاری پارس، در یکی از مناطق استراتژیک و حساس نوار مرزی اعلام، حملات فامنظم حدود ۲۵۰

کشته و یا زخمی شدند. در همین منطقه يك میدان مین دشمن نیز کشف و خنثی شد.

۴- در منطقه ماهشهر یکانه‌ای مستقر با اجرای آتش روی مواضع دشمن ۲ خودرو نظامی، يك نفر-بر زرهی، يك تیربار، يك فروند قایق، مقداری مهمات و چندین سنگر اجتماعی و انفرادی دشمن را به کلی نابود و تعدادی از افراد عراقی را کشته و مجروح کردند.

۵- در منطقه خرمشهر یکی از محل‌های استقرار دشمن در نتیجه اجرای آتش سلاح‌های سنگین قوای ما به آتش کشیده شد. يك قایق شناه دشمن

کشته و یا زخمی شدند. در همین منطقه يك میدان مین دشمن نیز کشف و خنثی شد.

۴- در منطقه ماهشهر یکانه‌ای مستقر با اجرای آتش روی مواضع دشمن ۲ خودرو نظامی، يك نفر-بر زرهی، يك تیربار، يك فروند قایق، مقداری مهمات و چندین سنگر اجتماعی و انفرادی دشمن را به کلی نابود و تعدادی از افراد عراقی را کشته و مجروح کردند.

۵- در منطقه خرمشهر یکی از محل‌های استقرار دشمن در نتیجه اجرای آتش سلاح‌های سنگین قوای ما به آتش کشیده شد. يك قایق شناه دشمن

تلاش دشمن...

بقیه از صفحه ۱

متجاوز عراقی بها حلاکت رسیدند.

۲- در منطقه ایلام برآئی اجرای آتش خمپاره‌انداز روی مواضع دشمن ضمن انهدام ۱۲ سنگر که ۲ سنگر آن دیده‌بانی بود، يك خودروی نظامی بسا نفرات آن و يك سنگر گروهی نابود و ۶ تن از افراد ارتش صدام به حلاکت رسیدند.

۳- در منطقه آبادان سه موضع خمپاره‌انداز ۶۰ میلیمتری يك تیربار، يك پاسگاه دیده‌بانی و يك انبار مهمات دشمن منهدم شدند.

آذربایجان غربی را در یابید!

به نوشته‌های روزنامه «جمهوری اسلامی»، در زمینه فعالیت ضدانقلاب در آذربایجان غربی، توجه کنید!

آتش زهر آلودی را که دولت موقت لیبرال‌ها برای انقلاب پخته‌اند، به دور بریزد!

در هفته‌های اخیر توجه رسانه‌ها و مطبوعات و محافل اجتماعی و سیاسی کشور بمسئله کردستان گسترش بیشتری یافته است. از آن جمله بود رپورتاژ‌های سیمای جمهوری اسلامی ایران زیر عنوان "در کردستان چه خبر؟"، که در سه شب منتشر شد و حاوی مطالب جالبی از کار سازندگی در کردستان بود. مقاله مبسوطی که در روزنامه "آمت" (شماره ۹۳، ۶ بهمن ۵۹) زیر عنوان "چگونه انقلاب را در کردستان تثبیت کنیم" نیز یکی دیگر از مطالب منتشره در زمینه مسئله کردستان بود و بویژه پیشنهادهای چهارگانه آن برای حل مسئله کردستان به همراه نظرات دیگر نیروهای صدیق‌انقلابی، می‌تواند مقدمه و راهگشایی برای باز کردن این گره کور باشد.

اجرا درآمد و فتوادل‌ها مسلح شدند. همچنین عدم موضع‌گیری روحانیت منطقه در برابر این حرکت ضد-توحیدی و حتی تأیید پیدا و پنهان آنان و نهایتاً صحنه‌گذاشتن برچنین حرکتی موجب شد که طرح تیمسار دانشور بی‌هیچ مزاحمتی جامه عمل بپوشد.

و این طرح "ضدمردمی" آن شخص "با پشتوانه سیاست‌های دولت موقت جا افتاد و بوسیله فرماندهان لشکر ۶۴ ارومیه و فرماندهان ژاندارمری منطقه در آن زمان، همچنین آقای حقگو استاندار سابق آذربایجان غربی و معاون ایشان بنام آتابک و دیگر همکارانش و گزینش روشهای هیئت ویژه کردستان، خصوصاً "داریوش فروهر و کلا" اعضای دولت موقت به

فتوادل‌های نامبرده به نقل از روزنامه "جمهوری اسلامی" بطور جداگانه در همین شماره نامه "مردم" منتشر می‌شود.

این فتوادل‌ها، که توسط "بخشی از حاکمیت و سکوت دیگر بخش‌های آن" مسلح شده‌اند و عملاً در کنار دارو دسته‌های ضدانقلابی قرار دارند، از لحاظ ملیت، کرد و سنی مذهبند. همان "بخش از حاکمیت" جبهه مقابل آنها را هم در میان آذربایجانی‌های شیعه مذهب ایجاد می‌کند و بدین ترتیب صحنه بطور کامل صف آرای می‌شود. از قلم خود نویسنده بخوانیم:

شرح حال برخی از فتوادل‌های ضدانقلابی کرد در آذربایجان غربی (با نقل به اختصار از روزنامه «جمهوری اسلامی»، ۹ بهمن ۱۳۵۹)

دو نفر فوق نیز، علاوه بر آن که حرکتی در جهت استقرار بخشیدن نظام جمهوری اسلامی در منطقه نداشتند. مداوم و بی وقفه با اعمال ضدانقلابی پرداخته‌اند. اینان که در منطقه ترگور، مرکز زندگی میکنند، طوری عمل کرده‌اند که هم اکنون از از طرف حزب دموکرات (باند قاسملو) یک نیروی ۱۵۰۰ نفره با ۲۱ قبضه خمپاره انداز و سلاح فراوان در آنجا مستقر شده و بطور لاینقطع از حقوق

به‌هر حال منطقه نفوذ جهانگیر در صومالی برادوست و مرز سرواست که منطقه مذکور علاوه بر آن که برای رفت و آمد نیروهای وفادار به جمهوری اسلامی امنیت ندارد، به محل تاخت و تاز قاچاقچیان و ضد-انقلابیون و ساواکی‌ها و پالیزبان‌ها و خلاصه بختیاری‌ها تبدیل شده است.

نویسنده مطلب را صریح‌تر و مشخص‌تر چنین بیان می‌کند: "تعدادی از عناصر نالایق خائن و ضدخدا که همگی وابسته به رژیم جنایتکار و خیانت‌پیشه پهلوی معدوم بوده‌اند... بعنوان حامیان دلسوز انقلاب فعال مایه‌ها شدند و سرپرستی کمیته و نیروهای حافظ انقلاب را زیر فرماندهی خود گرفتند و در طرح‌های نظامی منطقه صاحب نظر افتادند... اغراق نیست اگر مدعی شویم که ضدانقلابیون مستتر شده در عنوان "حامیان جمهوری اسلامی" و ضدانقلابی‌های مخفی شده در ایدئولوژی‌های ملون به هر دو روی یک سکه‌اند که با یک محتوا و یک جهت برای تأمین منافع مشترکشان کوشش می‌کنند، منتها با این فرق که در دو فرم و دو لباس و شکل کار می‌کنند."

ضمناً طبق یک گزارش و بنا بر گفته یکی از اعضای شورای روحانیت ارومیه، مدتی پیش از طرف جهانگیر در جلسه‌ای تشکیل شد که در آن جلسه افرادی همچون عبدالرحمان قاسملو دبیر کل حزب دموکرات، پالیزبان استاندار سابق کرمانشاه که آشنائی کامل به منطقه غرب دارد و اوپسی و... شرکت داشته‌اند و گویا حتی این مسئله مطرح شده که عشاير به هیچ وجه نباید سلاحهای خود را به دولت پس بدهند (طبق گفته یکی از اعضای شورای روحانیت ارومیه، آقای حسینی نماینده امام در این شهرستان اطلاعات فراوانی در این مورد دارد) خلاصه مطلب آن که جهانگیر در بابت ۳۰۰ جوانمرد خود ماهانه ۱۲۰۰۰۰۰ تومان از دولت حقوق

۱- جهانگیر دری-جهانگیر دری، رئیس ایل در ترکیه و ایران که گویا خودش از افراد ترکیه است و در تقسیم اراضی رژیم سابق به ایران آمده است. شخص نامبرده که دارای نزدیک به پنجاه روستا در ترکیه و مایملک فراوانی در ایران میباشد، با حدود ۹۰۰۰ نفر از ایل در ترکیه و ۳۰۰۰ نفر از همان ایل در ایران ارتباط دارد و سرکرده آنان محسوب میشود که در موقع لازم میتواند آنان را بر علیه جمهوری اسلامی ایران بسیج کند. جناب جهانگیرخان دری دو ماه قبل از مردن شاه به مصر رفته و پس از ملاقات با شاه و ابراز وفاداری با او مراجعت نموده، همچنین به بهانه مریضی به فرانسه سفر کرده و طی مسافرت خود با شاهپور بختیار دیدار و یک میلیون دینار عراقی از وی جهت فعالیت‌های تخریبی دریافت کرده و حال تر آن که ۵۰۰ هزار دینار نیز از صدام حسین گرفته و از سازمان امنیت ترکیه (میت) حقوق میگیرد، همچنین پس از انقلاب اکثر اسواکی‌ها و ضدانقلابیون منجمه صیادیان رئیس ساواک آذربایجان غربی، از مرزهای غرب کشور بواسطه ایشان فرار کرده‌اند که بی‌شک دهها میلیون تومان از این طریق کسب نموده‌است، علاوه بر خدمات فوق، پس از انقلاب بسیاری از فتوادل‌ها، منجمه جهانگیر دری، بسیاری از رعیت‌های خود را از خانه و کاشانه‌شان بیرون راندند و در این رابطه ایشان نیز تعداد زیادی از رعایای خود را به بهانه ندادن بهره مالکانه دهساله از دهات خویش راند. و منازل آنها را به آتش کشید...

نویسنده، از عده‌ای از این‌ها عمل "وابسته به رژیم جنایتکار و خیانت‌پیشه پهلوی معدوم"، که "سرپرستی کمیته و نیروهای حافظ انقلاب" را در نقده و حومه قبضه کرده‌اند، نام می‌برد و شرح حال آنها را می‌نویسد که از آن جمله‌اند: حاج عظیم معبودی، مراد قطاری، دکتر بهمن خسروی، دکتر امیرفلاح و حاج میرزا ابراهیم محرر ("روحانی‌نمای خلق مسلمان") (شرح حال مختصر افراد نامبرده، به نقل از روزنامه "جمهوری اسلامی" بطور جداگانه در همین شماره نامه "مردم" منتشر می‌شود).

رشید بیگ نیز بسان دیگر همقطاران خود، چه در گذشته و چه در حال حاضر با ساواک همکاری داشته و دارد و بعد از انقلاب تعدادی از رعیت‌های خود را بیرون کرده و حتی بعضی از آنان را اخته نموده است! ایشان نیز با حزب دموکرات (باند قاسملو) رابطه تنگاتنگ دارد و آنچه را که از دولت میگیرد تا به جنگ ضدانقلاب بپردازد، با حزب دموکرات (باند قاسملو) به‌شریکی تقسیم میکند و معمولاً افراد مسلح خود را در اختیار حزب دموکرات (باند قاسملو) قرار میدهد.

۲- حاج سامی هناره... شخص مذکور در جنگ سرو و حمله به ارومیه در تاریخ‌های ۵۸/۴/۲۷ و ۵۹/۷/۱۹ دست داشته و به ضد انقلاب باری رسانده است و نهایتاً اینکه ایشان هم همچون دیگر فتوادل‌ها به لحاظ فتوادل بودن ماهانه معینی بعنوان مخارج سرکوب ضد-انقلاب دریافت میکند.

نویسنده سپس می‌گوید: "بهر رو، پس از پیروزی انقلاب اسلامی تمامی این عناصر ناسالم در یک زنجیر پیوسته و تحت حمایت فرماندهان ژاندارمری منطقه وقت و رئیس کل ژاندارمری در آن موقع (تیمسار دانشور) و خلاصه عدم موضع‌گیری قاطع از سوی دیگر افراد، اینان توانستند موقعیتی بدست آورند و با توطئه‌هایی که خلق کردند حضور خودشان را مساوی با وجود امنیت در منطقه قلمداد کردند." بعد نتیجه می‌گیرد که، مثلث زور و زر و تزویر در نقده بدین گونه شکل گرفت: معبودی (زور)، خسروی (زر) و محرر (تزویر). "این مجموعه که باند ضدانقلاب را در نقده تشکیل داده‌اند، مشترکاً عهده‌دار به بدبختی‌کشاندن مردم محروم نقده شدند."

شرح حال برخی از عناصر ضدانقلابی که نهادهای انقلابی نقده و حومه را قبضه نموده‌اند (با نقل به اختصار از روزنامه «جمهوری اسلامی» ۱۱ بهمن ۱۳۵۹)

ارزنده بود که مورد توجه و تحسین همگان قرار گرفت.

همچنین به موازات شروع تظاهرات ضد رژیم در شهرستان نقده، حاج عظیم معبودی به عنوان یک عامل سرسپرده و متکی و وفادار به نظام طاغوت پیشه پهلوی، به خوبی وظیفه ضدانقلابی خود را ایفا می‌کرد و دادن چماق بدست‌ها بر علیه متظاهرین مسلمان انجام میداد و در این رابطه از صیادیان رئیس ساواک منطقه ۳۰۰ هزار تومان دریافت کرده بود تا به وسیله آن روستائیان را با تطمیع کردن یا تهدید کردن ساکت کند، همینطور تصمیم داشت با سرکوب فرهنگیان نقده به تظاهرات خاتمه بخشد که به همین خاطر انجمن اسلامی مصلحان که خانه معبودی را در اجاره بقیه در صفحه ۶

فعال ترین و موثرترین مهر در برپایی مراسم جشن‌های رژیم گذشته بود. به عنوان مثال در سال ۴۷ جشن با-شکوهی به مناسبت سفر به اصطلاح شهبانوی ایران! به نقده ترتیب داد که گزارش این مراسم در اطلاعات شماره ۲۵۷۹ مورخ مرداد ماه ۴۷ در صفحه محلی چاپ گردید و ما قسمتهائی از آنرا بشرح زیر درج میکنیم:

"به مناسبت تشریف‌فرمایی علیاحضرت فرح شهبانوی رفوف و نیکوکار ملت ایران به شهرستان مرزی نقده طاق نصرت بسیار زیبا و باشکوهی از طرف آقای عظیم معبودی عامل فروش تراکتورهای انیورسال برپا گردید که جلوه خاصی به این شهر بخشید... این اقدام آقای عظیم معبودی عامل فروش تراکتورهای انیورسال در شهرستان نقده به قدری جالب و

۱- حاج عظیم معبودی حاج عظیم معبودی به دلیل داشتن نمایندگی و فروش تراکتورهای انیورسال و لوازم یدکی آن در شهر - های نقده، پیرانشهر، اشونیه و... از سرمایه‌داران نقده محسوب میشود... در رژیم سابق رئیس انجمن شهر نقده و گویا رئیس دانشگاه آزاد نقده نیز بوده و از یاران نزدیک و صمیمی صیادیان رئیس ساواک آذربایجان غربی بشمار میرود. با اکثر روسای ادارات و روسای انجمن شهرستاهای استان آشنائی و به واسطه سرمایه و چاکرمنشی ایشان نقده به رژیم گذشته بود که پدر زن پسرش، حسنعلی زرگر-زاده، عنصر خائن و خود فروش نقده توانست سه دوره بعنوان نماینده مردم نقده در مجلس شورای ضد ملی راه یابد. تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی

نویسنده مقالات "جمهوری اسلامی" سخن خود را با کلمات تاریخی امام خمینی آغاز می‌کند که: مملکت "مال زاغنه‌نشینان" است. و سپس می‌گوید: "اعتماد و ایمان آوردن به قدرت خلل‌ناپذیر منصوبین زمین و زمان" بهترین راه تداوم انقلاب است. ولی پس از انقلاب، دولت موقت چنین نکرد، بلکه جناح‌های سازشکار پست‌های حساس را تصاحب کردند و آقای مهندس مهدی بازرگان بهترین فرصت را "برای به قدرت رساندن جناح سازشکار بدست آورد. و با حرکت گام به گام به پس‌موجب رشد ضدانقلاب در ابعاد مختلف شد." بعداً گرچه با حرکت انقلابی "دانشجویان مسلمان پیرو خط امام لیبرال‌ها" از متن به حاشیه رفتند و موقتا تضعیف شدند، ولی با به دست آوردن پست‌های دیگر، برای حفظ و تثبیت مواضع خود کوشیدند و همان جناح‌های کارکشته در سازش-کاری، در طیف وسیع‌تر و ملون‌تر و با عملکرد پیچیده‌تر، مسند قدرت یافتند."

نویسنده سپس به مسئله مشخص مقاله می‌پردازد و بدین ترتیب می‌نویسد که: وجود دو ملیت کرد و آذربایجانی که طول صدها سال با هم برادروار زندگی کرده‌اند، می‌تواند در حالتی در دست خود خلق به "ترمیزی در برابر حرکات ضدانقلابی" بدل شود و در حالت دیگر در دست نیروهای دشمن خلق زمینه برادرکشی گردد و چنان فاجعه عظیمی بسازد که "قدرت در هم شکستن انقلاب را داشته باشد" و... اینبار متأسفانه به زمینه فاجعه و برادرکشی مبدل شد! چرا و چگونه؟ نویسنده، پاسخ این سؤال را چنین شرح می‌دهد:

"رئیس ژاندارمری جمهوری اسلامی ایران در زمان دولت موقت طرحی ارائه داد مبنی بر مسلح کردن فتوادل‌ها، اعم از کرد و ترک ساکن در آذربایجان غربی، تا از این طریق یعنی بواسطه تکیه بر فتوادل‌ها!! موفق به سرکوب ضدانقلاب بشوند!!"

ادامه دارد

کارگران در جهاد مقدس کار

درود بر کارگران قهرمان
کارخانه نساجی شماره ۳ قائم شهر!

چندی پیش، از جانب رادیو ساری، مصاحبه‌ای با آقای اروند، مدیر تولید کارخانه نساجی شماره ۳ و همچنین چند تن از کارگران آن کارخانه به عمل آمد، که نظریه اهمیت مضمون مسائل مطرح شده، به نقل ستمت‌هایی از این مصاحبه می‌پردازیم. در مورد شروع فعالیت این کارخانه، میزان تولید و پیشی که کارخانه این کارخانه در اقتصاد کشور دارند، آقای اروند اظهار داشت: "تولید کارخانه معمولاً پارچه‌های نخی است، که در این کارخانه بصورت خام تهیه می‌شود. میزان تولید این کارخانه حدود ۲۴ هزار تا ۲۵ هزار متر پارچه خام و نخی است، که برای تکمیل، مثل رنگرزی و غیره به کارخانه شماره ۲ منتقل می‌شود. در ارتباط این کارخانه و با این صنعت در اقتصاد کشور میتوان گفت: این یکی از اهمیت‌ترین صنایع کشور بعد از ذوب آهن و شرکت نفت، چه از نظر تولیدی و چه از نظر حجم کارگران شاغل در آن است." مدیر تولید کارخانه گفت:

مدیون تلاش و فداکاری کارگران کارخانه میدانیم، که همه با صداقت کار می‌کنند.

دفاع از میهن انقلابی

آقای اروند سپس در مورد کمک‌رسانی این کارخانه به جبهه‌های جنگ گفت: "کارگران کارخانه، علاوه بر ما دیوانه یک روز حقوق خود برای جبهه‌های جنگ، از مقدار برنجی هم که کارخانه برای آنها در نظر گرفته بود مقدار زیادی از آن را به جبهه فرستاده‌اند. در مورد فداکاری و از خودگذشتگی کارگران، نمونه‌های بسیاری می‌توان ذکر کرد، مثلاً: بارها دیده شده است که کارگران برای گرفتن مقدار علی‌الحساب یا فشاری می‌کنند، ولی پس از اینکه آنها پول را دریافت کردند، متوجه می‌شوند که تمام وجه علی‌الحساب دریافتی را به جبهه جنگ اختصاص داده‌اند."

گفتگو با کارگران

برای اطلاع از وضع کارگران، با چند تن از آنان گفتگو کردیم. از یکی از کارگران سؤال شد:

"با توجه به اینکه این دستگاه‌ها با برق کار می‌کنند، اگر وسایل یدکی آنها در بازار یافت نشد، آیا وقفه‌ای در کار شما ایجاد نمی‌شود؟" کارگر مزبور گفت:

"اگر این وسایل گیر نیاید، ما خودمان این وسایل را، که از قبیل کلیدهای برقی و غیره هستند، تعمیر کرده و یا می‌سازیم. ما تا جایی که قدرت داریم، کارمان را خودمان انجام می‌دهیم. او در دنباله سخنانش اظهار داشت که:

"من از کارگران سراسر ایران، مخصوصاً استان مازندران، می‌خواهم که با ابتکار خود چرخه‌های اقتصادی مملکت را به حرکت در آورند، تا آمریکا جنایت‌ها را بداند که ما تا آخرین نفس کار می‌کنیم، تا احتیاجی به آن شیطان‌ها نداشته باشیم."

کارگر دیگری بنام رمضان با بایی گفت:

"اسنجا کارگران خیلی خوب کار می‌کنند، حتی کارگری داریم بنام رحمت کاظمی که میل‌لنگ ماشین می‌تراشد و باین ترتیب ما احتیاج به کمک هیچ جایی نداریم. او در پاسخ سؤالی در مورد مزایای کارگری گفت:

"ما حق مسکن، مساعده، اضافه‌کاری و غیره می‌گیریم و تا بحال کمبودی از نظر حقوق نداشته‌ایم. کارگران کارخانه نساجی شماره ۳ عموماً از نداشتن شورا ناراحت بودند و خواهان آنند که هر چه زودتر از جانب مسئولان امر اقداماتی در این مورد به عمل آید. مدیر تولید کارخانه در مورد تشکیل شوراها گفت: "دولت برای تشکیل شوراها ضوابطی را در نظر گرفته است. ما به محض اطلاع از این ضوابط، نسبت به تشکیل شوراها اقدام خواهیم کرد." امیدواریم که این خواست کارگران قهرمان نساجی شماره ۳ هر چه زودتر جامه عمل بپوشد.

جشن باشکوه انقلاب در کارخانه
لوازم خانگی پارس

کارگران: تا تسلط سرمایه داران بزرگ بر تجارت خارجی و توزیع کالاها از بین نرود انقلاب با مشکل عظیمی روبرو خواهد بود.

پیش روی کند، مسئله تجارت خارجی است. تجار بزرگ مواد اولیه و قطعات لازم را وارد می‌کنند و قطعه‌های را که مثلاً ۳۰ ریال خریدند، ۹۰ ریال می‌فروشند. بنا بر این تجارت خارجی با بدملی شود. گرانی مواد به این دلیل است که سرمایه داران بزرگ برای بخش از اقتصاد تسلط دارند. تا تسلط سرمایه داران از این بخش اقتصاد دوتوزیع قطع نشود، انقلاب همچنان با مشکل عظیمی روبرو خواهد بود. چه دلیلی دارد که محصولات گران با شد؟ ما میتوانیم با برقراری تسلط دولت بر تجارت خارجی این مشکل را حل کنیم. کسانی که مخالف این امر هستند، می‌گویند دولت قادر نیست امورا اداره کند. اما این دروغی بیش نیست. ظاهراً حرف درستی است. چون در آغا زنا همه هنگی برقرار می‌شود. ممکن است در تولید بعضی کارخانجات خلل ایجاد شود. لذا ما کارگران باید هشیار باشیم که در این مورد به دام توطئه‌های ضد انقلاب نیفتیم. اما بعد که مشکلات حل شد، دیگر با مشکلاتی از قبیل گرانی و تورم و غیره روبرو نخواهیم بود. نام "مردم" - ضمن تبریک دومین سالگرد انقلاب به کارگران قهرمان، صمیمانه آرزو می‌کنیم که طبقه کارگران در راستای تعمیق و گسترش دستاوردهای انقلاب، در سال جاری نیز استوار، مطمئن و موفق، بردشوارهای موجود غلبه کند و بسهم خویش به شکوفایی نظام جمهوری اسلامی ایران یاری رساند.

ایران از نظر استراتژیکی برای آمریکا اهمیت زیادی داشته است. اما با انقلاب ما همه این منافع درهم ریخته است. بعد از ۲۲ بهمن سال ۵۷ آمریکا سعی کرد انقلاب ما را از درون تهی کند. دولت موقت هم نتوانست نقش مثبتی ایفا کند. سرانجام دانشجویان مسلمان پیرو خط امام لانسه جاسوسی آمریکا را تسخیر کردند و دست امیراننتظامها، مقدم - مراغه‌ای‌ها، نژییه‌ها و امثال آنها رو شد. بعد از این آمریکا پی برد که سازش با این انقلاب و مسخ آن ممکن نیست. لذا اجرای طبع را آغاز کرد، و چون موفق نشد، دست به کودتای آمریکائی "نوزده زد"، که با هشیاری پاسداران قهرمان خنثی شد. بعد رژیم عراق را علیه انقلاب مابرا نگیخت. آمریکا به حساب خود بهترین لحظه را انتخاب کرد. اما آمریکا در محاسبات خود اشتباه کرده بود.

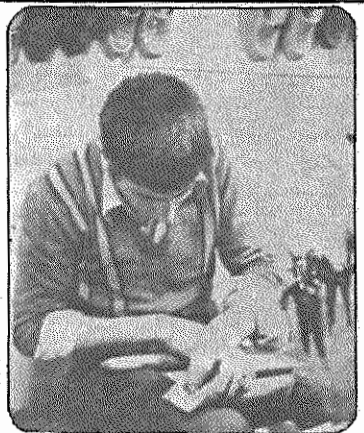
سیس گروهی از ورزشکاران باستانی کارگران به اجرای ورزش باستانی پرداختند. در ضمن از طرف کارخانه باشیرینی از کارگران پذیرایی شد. در پایان یکی از حاضران که از کمیته کارگری تهران آمده بود، شروع به صحبت کرد و گفت: "انقلاب ما در جهت ملی کردن کارخانجات و بیرون کردن سرمایه داران وابسته و همچنین در جهت تشکیل شوراها موفق بوده است. اما یکی از مسائلی که سدره انقلاب است و تا برداشته نشود، انقلاب نمی‌تواند

کارگران شهر صنعتی البرز دومین سالگرد انقلاب شکوهمند مردم ایران را، با برگزاری مراسم، گرامی داشتند. روز سه شنبه ۲۱ بهمن ۵۹، از ساعت ۲ تا ۴/۵، مراسم در قسمت "کانتین" کارخانه لوازم خانگی پارس برگزار شد. از طرف کارگران نمایشگاهی از سیر انقلاب تدارک دیده شده بود. همچنین نمایشگاهی از طرف جهادسازندگی در مورد جبهه‌های جنگ و نمایشگاه کارگران برپا شده بود. در این مراسم یکی از مهندسین کارخانه و عضو انتخابی هیئت مدیره کارخانه، که در حال حاضر در جبهه‌های هوا و فعالیت می‌کند، صحبت کرد و از جمله گفت: "برای اینکه بدانیم چرا هم اکنون با عراق در جنگ هستیم باید کمی به عقب برگردیم. انقلاب ما که عظیمی را انجام داده است. در مقایسه با انقلابهای دیگر، می‌بینیم که مثلاً مردم الجزایر در حدود ده سال جنگیدن و یک میلیون کشته دادند، تا، امپریالیستهای فرانسوی را از کشور خود بیرون کردند و نیز مردم ویتنام مسالین سال جنگیدند. اما مردم ما با دست خالی در مدت کوتاهی توانستند آمریکا را از ایران بیرون برانند. آمریکا در ایران منافع بزرگی را از دست داده است. آمریکا سالیان سال منابع زیرزمینی ما را غارت می‌کرد و از ایران بعنوان پایگاه علیه جنبش‌های آزادیبخش مثل ظفار استفاده می‌کرد.

کفاشان: اگر همه مردم با هم متحد باشند، آمریکا و صدام
ضد انقلاب را به آسانی میتوان شکست داد

دربار زار دینداران شهر زنجان، چندین کارگاه کفش - دوزی وجود دارد. کار این کارگاه‌ها مبتنی بر تولید کوچک است. در این کارگاه‌ها حداقل یک نفر حداکثر پنج نفر کار می‌کنند. تفاتی که تولید این کارگاه‌ها با دیگر کارگاه‌های کفش دوزی دارند، همانا طرح - های ابداعی است که تلفیقی از طرح‌های سنتی و نوین کفش است. در گذشته در این کارگاهها، کفش‌های گلدان روتزیینی زنانه دوخته می‌شد، که یکی از صنایع سنتی این شهر، یعنی "چارق - دوزی" است. واردیکی از این کارگاه‌ها شدیم، که سه نفر در آن مشغول کار بودند. از آنها در مورد کارشان پرسیدیم، یکی از آنها گفت:

"کفش‌هایی که ما می - دوزیم، همه از نظر مرغوبیت در سطح خوبی قرار دارند و قیمت آنها هم بسیار ارزان است (حدود ۱۶۰۰ تا ۱۷۰۰ ریال) برای هر جفت کفش زنانه یا مردانه (بولى فروش ما بسیار کم است). کفاشان از سرمایه دارانی که در احتکار دست دارند، شکایت داشتند و می‌گفتند: "این سرمایه داران همه چیز را در بازار دست خود متمرکز کرده‌اند و به انقلاب ضربه می‌زنند." یکی از استادکاران در مورد مواد اولیه کفش دوزی ها گفت:



بنویسید: «اگر همه مردم با هم باشند، آمریکا و صدام و ضد انقلاب را به آسانی میتوان شکست داد».

نرخ یک "پا" چرم، که قبلاً ۱۲۵ ریال بود، در حال حاضر به ۲۱۰ ریال افزایش یافته است. در حالیکه چرم در ایران تولید می‌شود. وی علت گرانی چرم را کمبود آن در بازار می‌داند و در مورد پادشاه (پوشاننده کف کفش‌ها) می‌گوید:

"در حال حاضر با صدور این کالا از طرف کشورهای بلغارستان و هندوستان به ایران، فعلاً کمبودی در این مورد احساس نمی‌شود."

مشکلات آنرا بخوبی درک میکنند. یکی از کارگران گفت: "بنویسید، اگر همه مردم با هم متحد شوند، آمریکا و رژیم صدام حسین و ضد انقلاب خلی را می‌توان به آسانی شکست داد." در کارگاه دیگری که از آن بازدید کردیم، دو نفر استادکار با تفاق سه نفر کارگر را می‌کنند. یکی از آنها گفت: "در آمد ما بسیار کم است. خصوصاً در شرایط جنگی حاضر، به علت نبودن مسافر، که عمده ترین خریداران محصولات ما هستند و همچنین به علت بالا رفتن قیمت مواد اولیه، درآمد ما فوق العاده پایین آمده است. دولت باید با قیمتهای عادلانه از این صنعت حمایت کند." کارگران در مورد تجارت نظامی رژیم جنایتکار صدام به میهن انقلابی ما گفتند:

"این توطئه‌ها است از سوی آمریکا، برای نابودی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، که به همت مردم ایران، این توطئه هم با شکست مواجه خواهد شد. دولت باید با ایجاد تعاونی‌ها در بخش‌های گوناگون صنایع کوچک، و واگسذاری اعتبارات دولتی، به حمایت جدی از شاغلین این صنایع، که در مجموع خودبخش مهمی از زحمتکشان کشور ما را شامل می‌شوند، بپردازد."

ویژه روستاهای مازندران

مازندران یکی از غنی ترین استانهای کشور است. مسائل دهقانی و کشاورزی این استان، به علت وسعت و تنوع شرایط مالکیت و کشت در آن، بسیار مختلف و متنوع است. در صفحه دهقانی نامه "مردم" امروز، برخی از این مسائل را متنگس میکنیم.

سری به دهات اطراف قائم شهر بزنیم

به وضع روستای پایکلاه رسیدگی کنید

روستای پایکلاه از توابع شهرستان قائم شهر است. این روستا فاقد امکانات بهداشتی و درمانی و حمام است و از نظر آب آشامیدنی نیز سخت در مضیقه است. روستای پایکلاه دارای یک مدرسه سه کلاسه است که توسط یک معلم اداره می شود. در نتیجه بسیاری از بچه های این روستا برای ادامه تحصیل باید به روستای خلیج کلاه بروند. اهالی برای درمان و گرفتن قند و شکر و نفت و سایر ارزاق عمومی باید ۴ کیلومتر مسافت تا روستای خلیج کلاه را که راهی پرازدگی و ولای است، پیموده طی کنند. ماضن جلب توجه مقامات مسئول، از آنها می خواهم که به وضع این روستا رسیدگی جدی بعمل بیاورند.

روستایان سه روستای نزدیک شیرگاه حتی از آب آشامیدنی محرومند!

سه روستای کلیج آباد، روس آباد و آنگر کلاه در نزدیکی شهرستان قائم شهر، از اولین مایه حیات، یعنی آب محرومند. علاوه هنوز مستم فئودالها برای این دهات سنگینی می کنند. اکثریت قاطع جمعیت این سه روستا بی زمین و بی زمین و کم زمین تشکیل یافته است که از حداقل شرایط زندگی برخوردارند. آنها حتی آب برای آشامیدن ندارند. اهالی این سه روستا برای دستیابی به آب و حفر چاه باید مقدار فراوانی پول خرج کنند، که متأسفانه از عهده شان خارج است. با اجرای قانون واگذاری زمین و ایجاد تعاونیها و تامین آب میتوان محصول بیشتری از این منطقه بدست آورد.

این روستایان همچنین با مشکلات دیگری از قبیل فقدان مدرسه، حمام، درمانگاه، مواد غذایی و جاده خوب روبرو هستند. برمسئولین امر است که هر چه زودتر به وضع این سه روستا رسیدگی کنند و آنها را در تولید بیشتریاری دهند.

بچه های «سم دشت» می خواهند تحصیل کنند.

سم دشت، که جزو منطقه حاشیه نشین قائم شهر به حساب می آید، دارای جاده خاکی است، که هنوز اسفالت نشده، ولی حمام و مدرسه و بناوئی و بهداشت و... ندارد. بسیاری از اهالی این منطقه زحمتکشانی هستند که با شغل آهنگری و کارگری، چرخ زندگی خود را می چرخانند. محل بازی کودکان در خاک، اشغال و کثافات است. در نخستین لحظه گذری به این روستا می بینیم که چشم یکی از کودکان به علت بازی در خاک و کثافات،

دهقانان آماده هر گونه پشتیبانی از هیئت های هفت نفری هستند

روستای عزت الدین، که در ۳۰ کیلومتری شمال شرقی ساری قرار دارد به علت شرایط مناسب کشاورزی، در گذشته همیشه مورد طمع فئودالها بوده و همواره در معرض حقیقتیها و بیدادگریهای زیادی قرار گرفته است. این روستا حدود ۱۶۰ خانوار جمعیت دارد، که بسیاری از آنها روستائیان کم زمین و یا بی زمین تشکیل میدهند. زمینهای منطقه به قدری خوب است که برادر شاه ملعون، یکی از بزرگترین مجتمع های کشاورزی را، با غصب زمین کشاورزان و راندن دهقانان و خراب کردن خانه هایشان با بولدوزر، در دشت ناز ایجاد کرد. این مجتمع بزرگ، البته بعد از انقلاب توسط نهادهای دولتی اداره می شود. اما مسئله زمینهای بزرگ مالکی، که در اطراف آن هستند، هنوز حل نشده است.

بین دو روستای "عزت الدین" و "اناردین"، در دو طرف جاده آسفالتی که سازمان زراعی دشت ناز را به کناره دریا متصل می کند، دو قطعه زمین به مساحت ۵۰ هکتار و دیگری به مساحت ۶۰ هکتار وجود دارد، که متعلق به "شاهرخ"، زمیندار بزرگ فراری وابسته به خاندان منحوس پهلوی است. یک قطعه زمین دیگر به مساحت ۶۰ هکتار در همین حوالی هست، که آن هم در اختیار یکی دیگر از زمینداران بزرگ است. باید در نظر گرفت که در این منطقه، ۳۰ هکتار و ۵۰ هکتار و ۶۰ هکتار، به علت مرغوبیت زمین و کیفیت خاک و شرایط آب و هوا، زمین بسیار وسیعی است.

ساکنان روستای اناردین، که اکثراً خوش نشینان هستند، با نیروی هشیاری و اتحاد خود، یک قطعه از زمینهای "شاهرخ" را گرفته اند و در اجرای فرمان کشت هر چه بیشتر کلیه زمین ها و انجام "جهاد کشاورزی برای مرتفع ساختن نیاز کشور به محصولات داخلی کشاورزی، آن را مشترکاً زیر کشت برده اند. در روستای عزت الدین نیز، دهقانان در تدارک کشت مشترک قطعه دیگری از زمین هستند.

اگر دهقانان متحد باشند و مشترکاً عمل کنند، بسیاری از مسائل حل خواهد شد و به انقلاب کمک خواهد رسید. اما متأسفانه همیشه اینطور نیست. یکی از دهقانان کم زمین در این مورد می گوید: "چیزی که در این روستا دهقانان مستضعف را نگران کرده است، وجود دو دستگی و اختلاف در بین دهقانان است. وجود دو دستگی در روستای یکی از موانع مهم رسیدن ما به حقوق حقه مان است. از این اختلافات ضد انقلابی و فئودالها و عوامل آنها بهره برداری می کنند."

اگر این زمینها بوسیله هیئت هفت نفری به دهقانان داده شود، ما دیگر غمی نداریم و تاپای جان از این قانون و این هیئت پشتیبانی می کنیم. ما حاضریم در صورتی که زمینها به ما واگذار شود، تمام توان خود و زن و بچه هایمان را به کار گیریم، تا محصول خوب بکاریم و تولید را بالا ببریم. وی در ادامه سخنانش گفت: "این مالکین و زمینداران بزرگ، هزار و یک نیرنگ بکار می برند، تا به انقلاب ضربه بزنند. زمینها را بخوبی کشت نمی کنند و سعی دارند تنها مقداری بذر بپاشند، تا زمین فقط کمی سبز

عزت کار کردن و کمک به خانواده. دستهایشان همانند دست یک کارگر کهنسال پینه بسته است. کودکان از هفت سال به بالا کثرتاً به علت دور بودن محل مدرسه، نمی توانند به مدرسه بروند. یکی از اهالی محل در این مورد می گوید: "خودمان سواد نداریم و



شود. در این راه آنها می کوشند مانع از اجرای قانون شوند. از این راه آنها تولید را کم می کنند، تا دوباره وابسته به خارج شویم. از این راه مالکان عمده به نفع آمریکا کار می کنند. در حالی که ما دهقانان محروم با دست خالی از انقلاب و امام خمینی پشتیبانی می کنیم. برای نمونه در حال حاضر دوتن از کشاورزان این روستا در جبهه جنگ با مزدوران آمریکا دربرندند."

وی در پایان سخنانش افزود: "ما با تمام وجودمان از هیئت هفت نفری پشتیبانی می کنیم. باید هر چه زودتر قانون واگذاری زمین به وسیله این هیئت به اجرا در آید و به ما جواز مالکیت بدهند، تا از شر فئودالها آسوده شویم. این کار باعث می شود که برای رسیدن به خودکفایی، با دلگرمی و پشتکار بیشتری در جهاد کشاورزی فرموده امام شرکت کنیم."

در مورد وضع بهداشت و کمبودهای این روستا، باید گفت که چند ماهی است که این روستا برق کشتی شده است. ولی متأسفانه وضع آب آشامیدنی کشاورزان ناراحت کننده است، زیرا که آب چاههای عمیق خانه ها تلخ و شور و غیر بهداشتی است، به طوری که در مواقعی که باران می بارد، روستاییان از آب باران استفاده می کنند، که این خود منشاء بیماریهای مختلف است. مشکل اساسی دیگر روستائیان، نبودن درمانگاه در محل است. سلامت روستائیان در معرض تهدید جدی محیط غیر بهداشتی است. همچنین، با اینکه هر ساله چندین بار سیل به محصولات

دهقانان ده «طلوت» توانستند با اتحاد عمل به حق دیرینه خود برسند

دهقانان ده «طلوت» در نتیجه اتحاد عمل توانستند یک فئودال را، که سالیان دراز بر آنان حکمرانی می کرد، از روستای خود بیرون کنند. این فئودال در اختیار رده قرار گیرد و دهقانان از آن استفاده کنند. دهقانان در این جلسه گفتند: "ما دیگر زیر بار ظلم نمی رویم و اجازه نمی دهیم که دیگران بر ما حکمرانی کنند. اگر این فئودال بخواد، حاضریم یک مقدار زمین به خودش بدهیم که رویش کار کند، ولی هیچ دهقانی دیگر برایش رعیتی نمی کند." دهقانان همچنین با اتحاد عمل توانستند جلوی اقدامات خرابکارانه پسران فئودال را، که میخواست جوده را متشنج کند، بگیرند. زمینهای این فئودال هم اکنون در دست روستائیان است و اهالی روستا با کار کردن روی زمینها، بعد از چند سال به حق دیرینه خود رسیده اند.

خواهان ادامه پیگیری این کلاس در محل هستند. تامین بهداشت و آموزش برای کودکان روستایی از وظایف اولیه مسئولان متعهد است. انقلاب ما با پیدافق تازه ای را از این زمینه بروی دهقانان بگشاید.

نمی توانیم بچه کودکانمان کم کنیم. بچه هایمان هم به مدرسه نمی روند، ولی به تا زگسی در مسجد محل، کلاس پیکار سوادآموزی دایر کرده اند، که همگی اهالی در این کلاس شرکت می کنند. به علت علاقه فراوان بچه ها به فراگیری درسها، اهالی از این کلاس استقبال زیادی کرده اند

دهقانان: فقط با نابودی ماست که کشاورزی نابود خواهد شد. محصول، اثر بازوی پرتوان ماست. با اجراء هر چه سریعتر بند (ج) بزرگت مالکی را از ایران محو کنید، زمینها را به ما بدهید تا بیشترین محصول را بدست آوریم.

مشکل دیگر اهالی این روستا نبودن مدرسه راهنمایی است و فرزندندان کشاورزان هر روز برای رفتن به مدرسه راهنمایی باید با زحمت زیاد، ۱۵ کیلومتر راه بپیمایند. در مورد شرکت تعاونی این روستا، باید گفت که این شرکت به روستائیان رسیدگی نمی کند و در شرایط جنگ تحمیلی و کمبود کالاهای ضروری، با اینکه کشاورزان عضو شرکت تعاونی هستند، ولی شرکت به وظایف خود عمل نمی کند. به گفته یکی از روستائیان، انجمن اسلامی و شورا در این روستا تشکیل شده و اقدام به کارهایی نیز کرده اند، ولی این کار و اقدامات کافی نیست. نظارت شورا بر شرکت تعاونی باید برقرار شود و نهادهای انقلابی باید همکاری کنند، تا شرکت تعاونی خوب کار کند و عوامل ناپایی، که از سابق باقی مانده اند، طرد شوند.

مشکل دیگری که گریبانگیر دهقانان کم زمین است، عدم توانایی آنان در زدن چاه برای آبیاری زمینهایشان و نداشتن بودجه جهت خریدن موتور پمپ آب و ماشینهای کشاورزی است. این مشکلات بوسیله جهاد سازندگی قابل حل است و دهقانان آماده اند که همه گونه همکاری و خودیاری را به انجام برسانند. آزوی اولیه و نخستین امید دهقانان اینست که هیئت هفت نفری، هر چه سریعتر، واگذاری زمینها به دهقانان را به مرحله اجرا در آورد.

مشکل اساسی دیگر روستائیان، نبودن درمانگاه در محل است. سلامت روستائیان در معرض تهدید جدی محیط غیر بهداشتی است. همچنین، با اینکه هر ساله چندین بار سیل به محصولات

جبهه آزادیبخش بحرین برای استقلال واقعی بحرین بیکار نمیکند

بحرین اکنون یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های نظامی و اقتصادی امپریالیسم آمریکا در خلیج فارس است.

جبهه آزادیبخش بحرین در شرایطی تاسیس یافت که مبارزات ملی، بویژه در سالهای ۳۵-۱۳۳۳، به اوج خود رسیده بود. در آن هنگام بحرین کشوری بود پس عقب‌افتاده؛ کارگران بحرین از سن غنی مبارزه بی‌بهره بودند؛ کشورهای عربی را موجی وسیع از تعصب شوونیستی-ناسیونالیستی فرا گرفته بود؛ پیامدهای جنگ سرد در این نقطه از جهان نیز مشاهده میشد.

در چنین شرائطی بود که جبهه آزادیبخش بحرین هدفهای خود را اعلام داشت. «جبهه» مهمترین هدف مردم بحرین را چیرگی بر استعمار بریتانیا و دستیابی به استقلال ملی کامل خواند. اما رستاخیز خلق بحرین در اواخر زمستان ۱۳۴۴ و اوایل بهار ۱۳۴۵ علیه خلیفه حاکم و شرکتی نفت آمریکایی درخیمانه سرکوب شد و تهاشش سال بعد، بحرین استقلال سیاسی خود را بازیافت. بحرین نیز، مانند دیگر کشورهای خلیج فارس، بویژه پس از سالهای ۳۰ به یکی از کانونهای عمده دسیسه‌های امپریالیستی تبدیل شد. چنانکه میدانیم، پنجاه درصد نیازمندیهای نفتی ایالات متحده آمریکا، زاین و کشورهای «جامعه اقتصادی اروپا» از منابع خلیج فارس تامین میگردد. در ماههای اخیر، امپریالیستها به تقویت فوق‌العاده حضور نظامی خود در بحرین (و عمان)

برنداشته است. جبهه آزادیبخش بحرین اسنادی در اختیار دارد که استقرار کماکان نیروهای هوایی و دریایی آمریکا را در بحرین ثابت می‌کنند. تشدید حضور ایالات متحده آمریکا در بحرین «علاقتمندی» کسرن‌ها و بانکهای چندملیتی را نیز نسبت به این کشور افزایش بخشیده است. با اینکه پیش از هشت سال از اعلام استقلال سیاسی بحرین میگذرد، این کشور بیش از هر وقت از استقلال و حاکمیت راستین دور است. بگفته عبدالله رشید:

«بحرین، در واقع، به پایگاه ایالات متحده آمریکا و هم‌پیمان ارتجاع عرب، بویژه عربستان سعودی، تبدیل شده است.»

جبهه آزادیبخش بحرین خواستار آنست که پایگاههای امپریالیستی در بحرین تعطیل، همه پیمانهای باصطلاح «امنیتی» رسمی و مخفی بسا کشورهای امپریالیستی لغو و بحرین از بند سیادت انحصارهای چندملیتی غرب آزاد گردد.

بگفته یکی از رهبران «جبهه»: «جنبش ملی کشورما، بویژه کمیونست‌ها، مبارزه خویش را با حضور نظامی ایالات متحده آمریکا در خلیج فارس و خطر جنگ در این منطقه، بخشی از بیکار عمومی جهانیان در راه پیشرفت و صلح میدانند.»

کشورها، برای حفظ سیادت خود بر بحرین (و دیگر کشورهای منطقه)، به آنجا نه تنها کالا و جنگ‌افزار میفرستند، بلکه به صدور ایدئولوژی خود نیز می‌پردازند. «اسیاه» مدت‌هاست که برای رهبری فعالیت‌های موسسات اجتماعی و مقام‌های اداری بحرین، کارشناسانی به این کشور کسبیل میدارد، که در ترویج «شیوه زندگی آمریکایی» تخصص دارند. از دیگر وظائف این «کارشناسان» بخش اراجیف ضدکمونستی و ضدشوروی است. دولت بحرین هرگونه صدای اعتراضی را، که علیه حضور ایالات متحده آمریکا در کشور بلندشود، در گلو خفه میکند. دولت، با آنکه تحت فشار افکار عمومی، چندین بار مجبور شده است که در ظاهر تعطیل پایگاههای نظامی ایالات متحده را در بحرین متعبد گردد، در واقع، هیچگونه گامی در این زمینه

پیدا نکرده‌اند. به گفته عبدالله رشید، یکی از اعضای رهبری جبهه آزادیبخش بحرین، بخش بزرگی از کارشناسان آمریکائی، که پس از انقلاب ۲۲ بهمن ایران مجبور به ترک کشور ما شدند، اینک در بحرین استقرار یافته و «بحرین را به بزرگترین فرماندهی ایالات متحده آمریکا در خاورمیانه تبدیل کرده‌اند.»

واقعیت نامبرده حاکی از اهمیت استراتژیکی است که امپریالیسم ایالات متحده آمریکا برای بحرین قائل است (بحرین دارای ۶۲۲ کیلومتر مربع مساحت است و ۲۶۷۰۰۰ نفر جمعیت دارد). مانند دیگر کشورهای منطقه، بحرین برای امپریالیسم نه فقط از نظر استراتژیک مهم است، بلکه همچنین بازار خوبی برای انحصارگران کشورهای امپریالیستی است. اما رژیم‌های این

شرح حال برخی ۰۰۰

بقیه از صفحه ۳

خود داشتند تخلیه کردند و شیشه‌های آنرا نیز شکستند، تا از این طریق تبلیغاتی بر علیه معبودی کرده باشند.

۲- مراد قطاری

مراد قطاری از اهالی ترک‌نقده می‌باشد... تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی رئیس انجمن شهر پیرانشهر بود و از لحاظ اخلاقی آدم بسیار کثیف و لجنی است. از همکاران صدیق ساواک بشمار میرود و از عناصر بسیار فعال در جهت تحکیم رژیم پیشین محسوب میگردد. مخصوصاً در دستگیری چریکهای کرد ضدشاه با ساواک نهایت همکاری را داشت و شاید در کشتن افرادی مانند ملا آواره، اسماعیل شریف (شریف‌زاده) سلیمان معینی و... نقش زیادی داشته باشد. این شخص به خاطر آن که از نظر اخلاقی کثیف بوده، معمولاً جهت خوشگذرانی‌های مرسوم در حکومت طاغوتی، مهمانی‌های فراوانی ترتیب میداد که در آنها از تمامی روسای ادارات، سرمایه‌داران و ساواکی‌ها دعوت به عمل می‌آورد و آنچه که به مذاق اینان خوش بود برایشان ترتیب میداد. ضمناً بخاطر حمایت شدن از سوی ساواک از بسیاری از اکراد منطقه اخلاقی‌مینمود. ایشان نیز همچون معبودی که هم اکنون مقام معاونت او را دارد، از چمماق-داران فعال در سرکوبی تظاهرات بوده است. اضافه بر آنچه که گفتیم بطور داوطلب در «کمیته اقدام ملی» که از سوی ساواک و حزب رستاخیز ایجاد شده بود شرکت میکرد و در این مورد قسمتی از یکی از اطلاعاتی-های حزب رستاخیز، شعبه پیرانشهر چنین است:

«بنا به پیشنهاد جناح پیشرو حزب رستاخیز ملت ایران به منظور مبارزه با هرگونه آشوب‌گری و استعمار-طلبی کمیته‌هایی بنام کمیته اقدام ملی با شرکت افراد داوطلب و سرشناس و خدمتگزار در شهرستان تشکیل میگردد. با کمال مسرت کمیته اقدام ملی شهرستان پیرانشهر به مشارکت افراد ذیل: ۱- المورودی اکبری ۲- مراد قطاری ۳-... موجودیت خود را اعلام و از عموم همکاران... انتظار دارد جهت مبارزه... با این کمیته همکاری و تبادل نظر نمایند.»

۳- دکتر بهمن خسروی

دکتر بهمن خسروی از فتودال‌های بزرگ منطقه سلدوزاست که مجموعاً ۱۵۵۰ هکتار زمین دارد و همچنین دارای مقادیر زیادی احشام و ثروت نقدی می‌باشد و علاوه بر آن شغل خودش طبابت است که درآمد بالایی دارد. ضمناً برادر این شخص بنام برود خسروی نیز فتودال است و در ارتباط با بختیار می‌باشد...

۴- دکتر امیر فلاح

شخص مذکور نیز جزو فتودال-

های بزرگ است و دارای ۱۵۰۰ هکتار زمین و املاک می‌باشد و فی المجموع بیشتر املاک شهر نقده، محمدیار و ارومیه مربوط به ایشان است و افراد دیگری نظیر بهمن نصیری و حاج غلام که از لحاظ اخلاقی از سنخ معبودی هستند...

۵- حاج میرزا ابراهیم محرز

آقای محرز یکی از روحانی نمایان شیعه مذهب و از اهالی ترک‌زبان نقده است. در رژیم سابق جهت‌گیری مبتنی بر اسلام نداشت و پیش از آن که خود را در خدمت اسلام و طبعاً مردم محروم در آورد. رفاه خود را ترجیح داده و بگونه‌ای عمل کرده که از طرف ساواک نسبت به ایشان ابراز خرسندی و قدر-دانی شده که ماجبت طولانی شدن مطلب قسمتهایی از دو گزارش ساواک را با تاریخهای ۲/۱۲/۳۰۴۶/۲/۱۲ و به شماره‌های ۱۲۸۹ و ۵۱۲۴/۲هر، در مورد آقای محرز به شرح زیر می‌آورد. به قرار اطلاع واصله آقای حاجی میرزا ابراهیم محرز ساکن نقده یکی از روحانیون موافق بوده و همواره مردم را در مورد اقدامات اصلاحی دولت خوشبین نموده و فردی است شاه‌دوست...

"برابر اطلاعات واصله نامبرده

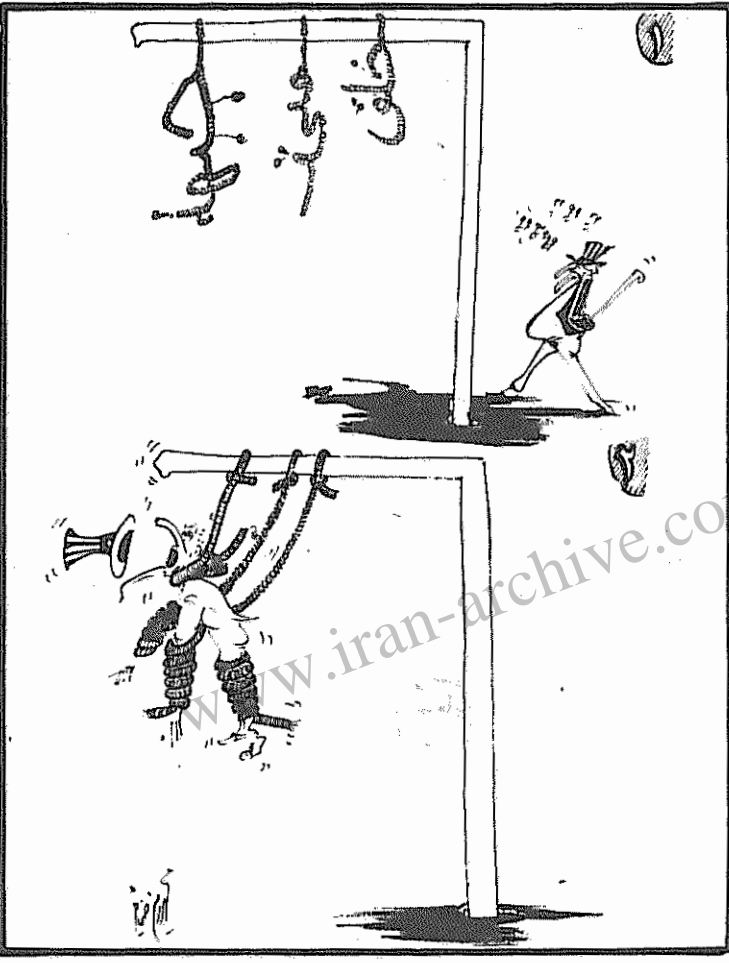
روز پانزدهم بهمن دعا و نیایش در مسجد جدید الاحداث نقده با حضور عده‌ای از اهالی برگزار نموده و ضمن سخنرانی بذات شاهنشاه آریامهر مردم را به اتحاد و اتفاق و شاه دوستی و مبین پرستی ترغیب و تشویق می‌نماید...

گذشته از همکاری پیدا و نهانی

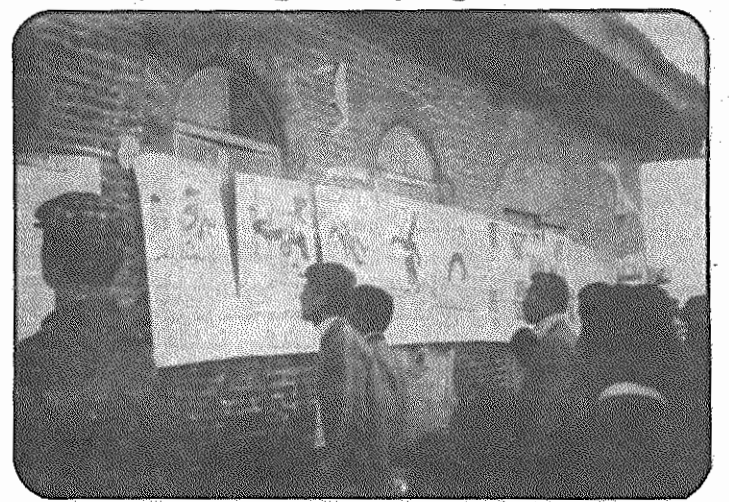
با ساواک از لحاظ مالی نیز در موقعیت خوبی به سر میرسد چنانکه یک خانه بزرگ و شیک برای زندگی کردن دارد و در مجاور آن محوطه‌ای هم مساحت خانه جهت نگهداری مرغ و خروس... دارد و بنا بر گفته خودش دارای دو باغ سیب و انگور نیز می‌باشد. البته ایشان مدعی است که در برداشت محصول از باغات سیب و انگور علاوه بر سود نبردن ضرر هم کرده...

ضمناً در عین حال که خود را

سرخست‌ترین روحانی مبارز و مجاهد در آذربایجان غربی و شرقی می‌داند! عمل تقسیم اراضی رایگ کارکمونستی تلقی میکند و در این رابطه آقای رضا اصفهانی را مفتخر به لقب "رفیق" نموده است و به علت داشتن چنین بینشی، از پافشاری جهاد سازندگی و سپاه پاسداران نقده بر تقسیم اراضی فتودال‌ها و عقیده به دستگیری عناصر ضدانقلاب... اینطور برداشت کرده که در شورای فرماندهی سپاه و جهاد فدائیان رخنه کرده‌اند و این تندروی-ها از سوی آنان است و سخت بر این نکته تأکید می‌کند که در اسلام مساوات نداریم چون مساوات عقاید کمونیستی است! و طبعاً جوانانی را که عقیده به ایجاد عدالت اجتماعی دارند، از نظر وی یا جنبشی هستند یا فدائی و متقابل از حاج عظیم



افشای توطئه جدید امپریالیسم آمریکا در کسما و گوراب زرمیخ (گیلان)



به همت اعضاء و هواداران سازمان جوانان توده ایران - استان گیلان، روز ۲۹ دی ماه ۵۹ نمایندگان دربار توطئه جدید امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران، در گوراب زرمیخ (گیلان) برپا شد. این نمایشگاه در مدت برپایی خود، با استقبال مردم مواجهد شد.

معبودی و مراد قطاری و بهمن خسروی بیشترین دفاع را میکند و آنان را پیروان اصیل خط امام میدانند!! به هر حال ایشان نیز همچون سایر هم-جهتان خود در قبل از پیروزی انقلاب اسلامی از عناصر مخالف انجام

سال دفاع و تولید در نیکار اگوئه

نیروهای میهن‌دوست نیکار اگوئه سال

۱۹۸۱ میلادی را بعنوان سال دفاع و تولید اعلام کرده‌اند. در واقع نیز این شعار مهم‌ترین وظایف روند انقلابی را باز می‌تابد، که بیش از یکسال و نیم پیش در این کشور آغاز شد.

علیرغم کوشش‌های فداکارانه کارگران، دهقانان و دیگر زحمتکشان نیکار اگوئه، هنوز میراث شوم اجتماعی - اقتصادی رژیم سوموزا همه‌جا نمایان است. فزون‌براین، محافل ارتجاعی بورژوازی نیکار اگوئه کماکان به کار شکنی‌های خود ادامه میدهند و از هیچ تلاشی برای مقابله با دگرگون‌سازیهایی انقلابی دریغ نمی‌ورزند.

از اینرو، رهبری ملی «جبهه آزادیبخش ساندینیست» و دولت نیکار اگوئه زحمتکشان این کشور را فراخوانده‌اند تا به افزایش هم‌جانبه تولید بپردازند و از این‌راه وضع اقتصادی نیکار اگوئه را ثبات بخشند و به بالابردن سطح زندگی کمک کنند. در این زمینه، برداشت هرچه بیشتر قهوه و پنبه - مهم‌ترین فرآورده‌های صادراتی نیکار اگوئه - اهمیت ویژه دارد. امسال شرایط جوی سبب شده است که وقت برداشت محصول قهوه و پنبه در آن واحد فسرارسد. از آنجا که کشاورزی نیکار اگوئه با مسئله کمبود نیروی کار روبروست، هزاران داوطلب، بویژه دانش‌آموزان و دانشجویان نیکار اگوئه، فراخوان دولت انقلابی را اجابت کرده‌اند و در برداشت قطاری سبز و سفید شرکت فعال دارند. از سوی دیگر، تهدیدات اخیر امپریالیسم ایالات متحده آمریکا علیه نیکار اگوئه باردیگر ضرورت افزایش آمادگی رزمندگی نیکار اگوئه را یادآور شد. از اینرو شعار «زحمتکشان، به ارتش توده‌ای خلق بپیوندید!» این روزها، بیش از همه وقت، فعلیت خود را بثبوت میرساند. از دوازدهم بهمن ماه ۱۳۵۹، شش کانون آموزش «میلیتاریس پوپولاریس» در ماناگوئه شروع بکار کرده است. در این کانونها ۲۴ هزار میلیس آموزش می‌یابند.

چندی پیش گماندات بایاردو آرسه، هماهنگ‌ساز «کمیسیون سیاسی رهبری ملی جبهه آزادیبخش ساندینیست»، اعلام داشت که باید با افزایش بهره‌وری کار و هوشیاری انقلابی از حاکمیت ملی پاسداری کرد. وی یادآور شد که خلق‌های جهان، همانگونه که در دوران بیکار مسلحانه دلوران نیکار اگوئه علیه رژیم دیکتاتوری از هیچگونه هبستگی با خلق نیکار اگوئه دریغ نوزیدند، در آینده نیز همواره به پشتیبانی خود از مردم این کشور ادامه خواهند داد. کنفرانس بین‌المللی، که برای هبستگی با خلق نیکار اگوئه نزدیک به یکماه پیش در ماناگوئه برگزار شد، باردیگر این واقعیت را بثبوت رسانید.

این واقعیت را بثبوت رسانید.

رفیق نورالدین کیانوری:

از: پرسش و پاسخ

۲۲ اردیبهشت ۵۹ (۲)

در دام نظریه امپریالیستی - مائوئیستی «سازش دوا بر قدرت» نیفتیم

مهمترین راه غلبه بر گرانی مبارزه با سرمایه‌داران وابسته است؛ متأسفیم که در ویژه‌نامه «مجاهد» بمناسبت سالگرد انقلاب، عناصر لیبرال و ضدانقلاب تطهیر میشوند؛

تئوری «سازش دوا بر قدرت» تنها برای منحرف ساختن مبارزه پر ضد امپریالیسم آمریکا و پوشش دسیسه‌های آن علم میشود؛ عوامل امپریالیسم آمریکا برای پیشبرد هدفهای ضدانقلابی خود «خبر» سفارش میدهند؛

تکمیل کابینه ضرورت هبم روز است

هفته‌ها و ماه‌ها یکی پس از دیگری می‌گذرد و مسئله انتصاب و تصویب وزیران وزارتخانه‌های امور خارجه، بازرگانی و اقتصاد و دارائی همچنان معلق باقی است و این وضع نه فقط اسفناک و شکست‌انگیز بلکه باعث تکرانی جدی است. هر سه وزارتخانه بی‌وزیر مهترین وزارتخانه‌ها هستند و فلج کار این هر سه وزارتخانه امری نیست که بتوان آنرا سرسری گرفت.

وزارت خارجه، دستگاهی است که جمهوری اسلامی ایران بوسیله آن با دیگر کشورهای جهان تماس و ارتباط و مناسبات برقرار میکنند این یکی از مهترین عرصه‌های فعالیتی است که اگر جوابگوی مسئولی نداشته باشد خواه‌ناخواه فاجعه‌آلود و آشفته خواهد بود. هم‌اکنون دقت در اخبار ناقصی که در مطبوعات درباره عملکرد هیئت‌های نمایندگی که به ۳۰ کشور خارجی اعزام شده‌اند منتشر شده

نشان میدهد که در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، هنوز سلیقه‌ها و نظرات شخصی اشخاص نقش دارد و این وضع، هم بدلیل اینستکه مبنای و خطوط اساسی سیاست خارجی ما هنوز تدوین و تصویب نشده و هم بدلیل اینکه وزیر مسئول و جوابگوی سیاست خارجی، در راس این وزارتخانه مهم قرار نگرفته است. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران باید از اعتبار و ثباتی بر اساس مبنای و خطوط اساسی مدون و مصوبی برخوردار گردد و این اعتبار و ثبات، در وجود وزیر امور خارجه مجسم می‌شود که ناظر و مجری آن مبنای و خطوط اساسی باشد وزارت خارجه بدون وزیر مسئول جوابگوئی در برابر مجلس شورای اسلامی ایران، به موسسه‌های بی‌مدیر و بی‌مسئول میماند و کار هر موسسه بی‌مدیر و بدون مسئولی طبعاً دچار انواع نارسائیهاست.

وزارتخانه‌های بازرگانی و اقتصاد و دارائی نیز مهترین امور اقتصادی کشور را در دست دارند. یشی اموری که با حیات انقلاب و جمهوری اسلامی ایران ارتباط مستقیم دارد. امر ملی کردن بازرگانی خارجی و نیز مهار کردن شلتاق بزرگ سرمایه‌داران، مستکران، واسطه‌های زنجیری، در عرصه بازرگانی داخلی، بکندی حرکت لایق‌بست پیش میرود و نتیجه آن، از یکسو رکود تولید و از سوی دیگر گرانی روزافزونی است که هر دو متحدان قوی‌بهنجه ضدانقلابند.

کاروزارت اقتصاد و دارائی نیز که می‌بایستی با برنامه‌ریزی‌های کوتاه‌مدت و درازمدت و اجرای فعال آنها، بنیة اقتصادی جمهوری اسلامی ایران را سرعت قوتت کند، ناگفته پیداست که چنانکه شاید و باید نیست. از مهترین عللی که این هر دو وزارتخانه با کاردانی و سرعت عمل نمی‌کنند، محروم بودن آنها از وزیران مسئول و جوابگوئی است که بتوانند نارسائیهای موجود را برطرف سازند و در راه نوسازی اقتصادی کشور بسود زحمتکشان یا قاطعیت گام بردارند.

بدیسی است برای انتخاب وزیران امور خارجه، بازرگانی و اقتصاد و دارائی در کشور داده وجود دارد. میتوان اشخاصی را برای مقام‌های مزبور، یافت که هم مومن و متعهد به انقلاب و هم کاردان و وارد به امور سیاسی، بازرگانی و اقتصادی باشند. ظاهراً نیز اشکال کار در این زمینه نبوده و نیست. اگر چنین است آنگاه مانع انتخاب و تصویب وزیران وزارتخانه‌های سه‌گانه نامبرده یا در نتیجه اختلاف سلیقه‌های شخصی مقام‌های مسئول است و یا با احتمال قویتر در نتیجه وجود دو خطه در سیاست خارجی و نیز در عرصه امور بازرگانی و اقتصادی است. در هر دو حالت، باید گفت که حل قضیه نمی‌تواند معلق بماند، نه اختلاف سلیقه‌های شخصی و نه

احیاناً وجود دو خطه نمی‌تواند و نباید سبب ایجاد وقفه در کاری شود که یا زندگی، ثبات و تکمیل انقلاب ارتباط مستقیم دارد. تکمیل کابینه دولتی ضرورت مه روز است، بویژه اگر توجه شود که این مهترین وزارتخانه‌ها هستند که دچار تعلیق در انتخاب و تصویب وزیران خود هستند، گشودن این گره برعهده هم ریاست جمهوری هم دولت و هم مجلس شورای اسلامی است و این هر سه مقام، هر کدام البته بدرجائی، در مقابل انقلاب مسئولیت دارند که آنرا یکشایند

س: آقای بهزاد نسوی قبل از مسافرت خود به هند درباره علل گرانی صحبت کرد و از سه عامل نام برد: تورم جهانی، جنگ و سودجویی سوداگران. وی گفت که دو عامل اولی از اختیارات خارج است و در مقابله با عامل سوم مردم هستند که مسئولیت بیشتری متوجهشان است. نظر شما در این باره چیست؟

ج: این سه عامل را می‌توان بعنوان برخی از عوامل گرانی بحساب آورد، ولی بنظر ما استدلال آقای نسوی درست و کافی نیست. درست است که تورم جهان سرمایه‌داری در گرانی داخلی بی‌تاثیر نمی‌تواند باشد. اما تجربه خیلی دیگر از کشورها نشان می‌دهد که می‌توان در یک اقتصاد رهبری شده این تاثیر را از بین برد و یا حداقل بسیار ناچیز کرد.

در مورد جنگ هم، نمی‌شود گفت که یکی از عوامل اصلی گرانی است. درست است که از شرایط جنگ برای گرانفروشی و احتکار استفاده می‌شود، ولی بنظر ما علت اصلی را باید در جای دیگر دید: وابستگی نسبتاً دست‌نخورده بازار مصرف ما به اقتصاد کشورهای غربی و سودجویی سرمایه‌داران وابسته.

البته شواهدی در دست است که اولیای اموریه این واقعیت بی‌برده‌اند و اقداماتی هم در این زمینه شروع شده است. اما بنظر ما این کافی نیست و این دولت است که باید در این مورد قاطعیت خیلی بیشتری نشان دهد. وگرنه تنها مردم که کاری از دستشان بر نمی‌آید! قرض کنید می‌روید بقالی و جنسی را که دیروز یک تومان می‌خریدید، امروز بقال می‌خواهد دو تومان به شما بفروشد. چکار می‌کنید؟ می‌زنید توی گوش بقال که چرا بجای یک تومان، دو تومان از من می‌گیری؟ آخر این یک تومان اضافی که بقال از شما می‌خواهد، توی جیب او نمی‌رود. اگر او یک قرائن‌رادر جیب خود بربزد، ۹ قران آن نصیب دیگران می‌شود. همان سرمایه‌داران وابسته و مستکران که مفسر اصلی هستند. با اینهاست که باید مبارزه شود و این هم در درجه اول کار دولت است. از طریق رهبری عمومی اقتصاد، ایجاد بخش وسیع دولتی و تعاونی برای توزیع کالا و غیره. البته منظور ما تعاونی‌هایی نیست، که بعضی سرمایه‌داران هم به فکر تشکیل آنها افتاده‌اند. مثلاً اخیراً شنیدیم که یک سازمان «تعاونی کارخانه‌دارهای کمیوت سازی در خراسان درست شده است. نه منظور ما چنین «تعاونی»‌هایی نیست! این سوءاستفاده‌ای است که سرمایه‌داران از مفهوم تعاونی می‌کنند و هدفشان در واقع همان گروه‌بندی‌های انحصاری است، که طبق قانون اساسی ممنوع است!

نه تنها در کشورهای سوسیالیستی، بلکه همچنین در کشورهایی که در راه رشد غیرسرمایه‌داری و یا با سمت‌گیری سوسیالیستی گام برمی‌دارند تجربیات فوق‌العاده غنی در زمینه مبارزه با گرانی و تورم موجود است. بنظر ما باید این تجربیات را به دقت مطالعه و از آنها استفاده کرد. مبارزه با گرانفروشی در همجا مبارزه با گرانفروشی است و این عین همان ریاضیات دو دو تا چهارتا است، که بقول امام‌خمینی دیگر «اسلامی» و «الحادی» ندارد. البته سرمایه‌داران وابسته و ضدانقلاب در اینجا هم سعی خواهند کرد کارشکنی کنند، ولی تنها جواب آنها قاطعیت بیشتر است.

س: (ظاهراً) از طرف یکی از هواداران «سازمان مجاهدین خلق ایران» (چرا حزب توده ایران اکنون «سازمان مجاهدین خلق ایران» را، که چنین سابقه فعالیت و مبارزه انقلابی دارد، اینطور هدف انتقاد شدید خود قرار می‌دهد؟

س: آیا به نظر شما برخوردتان با «سازمان مجاهدین خلق» بیش از حد ظالمانه نیست؟ بخصوص با توجه به این واقعیت که این سازمان اکنون در کنار لیبرال‌ها، «پیکار»‌ها و «زنجیر»‌ها قرار گرفته‌است. ج: در جواب به هر دو سؤال ما صحبت‌های خود را بطور مفصل درباره سازمان مجاهدین خلق کرده‌ایم. بخصوص در سند گفتگوی بسا سازمان مجاهدین خلق ایران «کمیته مرکزی حزب ما. هر روز هم که می‌گذرد، نظرات ما بیشتر تأیید می‌شود. البته ما هنوز امیدواری خود را از دست نداده‌ایم که نیروهای سالم در میان «مجاهدین خلق» با اشتباهات جدی خود بی‌بهرند.

اما آخرین شماره روزنامه «مجاهد»، که به مناسبت سالگرد انقلاب منتشر شد، خلاف اینست. در این شماره آقای مسعود رجسوی ۱۲ صفحه از آقای مهندس بازرگان تعریف می‌کند و آن هم درست هنگامی که فاش می‌شود که آمریکا جقدر به‌روی کار آمدن «میان‌روها» دل بسته‌است. تقریباً یک صفحه و نیم همین شماره هم در اختیار عبدالرحمن قاسم‌لو گذاشته شده است که واقعات منتشره درباره خود را «اتهامات» بخواند. ما از این نظر متاثر هستیم و نمی‌دانیم که «مجاهدین» به کجا می‌روند و شماره آینده «مجاهد» چه چیزهای دیگری به ارمان خواهد آورد. مسلم این است که راهی که «مجاهدین» الان پیش گرفته‌اند، هرچه بیشتر به راه نیروهایی که درصدد براندازی انقلاب ایران هستند، نزدیک می‌شود و آنها را از راه واقعی مبارزه دور می‌کند. اما بنظر من، رویدادهای کشور ما چنان سریع است که، نیروهای سیاسی، از جمله «مجاهدین» را به موضع‌گیری مشخص و روشن مجبور خواهد ساخت.

نامه «مردم»: رفیق کیانوری در پایان جلسه پرسش و پاسخ برای چندمین بار خواهش کرد که از طرح سؤال‌های تکراری خودداری شود. بهتر است که پرسش‌کنندگان پیش از طرح سؤال‌های خود، به سؤال‌های گذشته و مقالات نامه «مردم» هم نظری بیافکنند. امکان آن هست که در نوشته‌های نامبرده، به سؤال‌های آنها جواب داده شده باشد.

س: اخیراً بعضی از دولتمردان، بویژه آقای سرهنگ فکوری، وزیر دفاع، بار دیگر تز «سازش دوا بر قدرت» را مطرح می‌کنند. بنظر شما، علت طرح این تز برای چندهمین بار و با چنین حوراتی چیست؟ ج: تز «سازش دوا بر قدرت» چیز تازه‌ای نیست. تز مائوئیستی است، که خیلی پیش در اواسط سال‌های ۶۰ مطرح شد. بدبختانه هنوز کسانی پیدا می‌شوند که هر چند یک‌بار توی خاکروبه‌های تاریخ می‌گردند و چنین سلاح‌های زنگ‌زده‌ای را بیرون می‌آورند.

این تز در گذشته در ایران همیشه موقعی مطرح می‌شده است که آمریکا و عمالش توطئه‌های را تدارک می‌دیدند و یا آنکه می‌خواستند انقلاب را بسوی سازش با امپریالیسم منحرف کنند. نمونه‌های این‌گونه توطئه‌ها را هم در آستانه «کنفرانس اسلامی» و هیاهوی ضدشوروی آقای قطب‌زاده دیدیم و هم در حین تدارک تجاوز طیس.

چنین تزهای قلابی و دروغ‌هایی بعضی اوقات در مراکز «سیا» در خارج اختراع و خیلی وقت‌ها هم در شعب «سیا» در ایران «سفارش» داده می‌شود. یکی از آخرین نمونه‌های چنین دروغ‌هایی «خبر کذابی واکذاری ۱۰۰ تانک پیمان ورشو بود، که گویا از طریق عربستان به عراق تحویل داده شد! یا این‌که درست موقعی که آخرین تدارکات توطئه طیس دیده می‌شد، دوستان کارتر طرح نام‌های را برای او تنظیم کردند که برای اصنام خمینی بفرستد. چنین نام‌های با چنین شیوه شرقی تنها در اینجا می‌توانست تهیه بشود، البته با مشورت با هامیلتون جردن و وزارت خارجه آمریکا و خود کارتر. اینها فکر کردند: خوب آزمایش می‌کنیم، شاید توانستیم سر رهبران ایران کلاه بگذاریم که آمریکا دیگر گربه عابد شده و حاضر است انقلاب ایران را به رسمیت بشناسد.

البته ما نمی‌خواهیم بگویم هرکس چنین مهملاتی را تکرار کند، با آمریکا همکاری دارد. افرادی هستند که مثل بچه‌های کوچولو در چنین دام‌هایی می‌افتند.

پیش از اینکه تز «سازش دوا بر قدرت» درباره ایران و انقلاب ایران برای اولین بار در روزنامه‌های ایران منتشر بشود، من خود در نامه‌ای به یکی از رهبران جنبش انقلابی اسلامی خبر دادم (ما تا کنون متن این نامه را منتشر نکرده‌ایم، ولی متن آن موجود است) که از محافل ضدانقلابی وابسته به آمریکا خبر رسیده است، که برای از زیر ضربه خارج ساختن آمریکا قرار است چنین تزی در ایران رواج داده شود. متأسفانه در آن وقت، آن شخص محترم و دیگر نیروهای اسلامی به اخطار ما توجه نکردند.

آقای فکوری در دوران اخیر به یکی از فعال‌ترین بلندگوهای این تز ساختگی تبدیل شده است. با وجود همه تلاش‌هایی، که از جانب آقای وزیر دفاع برای «اثبات» این تز می‌شود، معلوم است که همه‌جای این تز می‌لنگد. ممکن است آدم خلبان جنگجوی خوبی باشد، ولی از مسائل سیاسی، که فوق‌العاده بفرنج است، سر در نیاورد. چه خوب بود که در برخورد با چنین مسائل حساس، با دقت بیشتری عمل می‌شد. بدبختانه، مثل اینکه گوزدهای ما به آقای فکوری نه تنها تاثیر مثبت نداشته، بلکه او را به تکرار چنین تز مائوئیستی جری‌تر کرده است.

آقای فکوری موقعی این تز مائوئیستی «سازش دوا بر قدرت» را مطرح می‌کند، که دخالت آمریکا به بارزترین شکل در جنگ رژیم دار و دسته» صدام حسین نمایان می‌شود و متحدان غربی آن بطور وسیع به عراق و کشورهای پشتیبان آن اسلحه صادر می‌کنند. از یک طرف آمریکا فشار سیاسی، اقتصادی و نظامی خود را شدت می‌دهد و از طرف دیگر کشورهای سوسیالیستی اعلام می‌کنند که حاضرند هم‌امکانات خود را برای کمک به جمهوری اسلامی ایران در اختیار ما بگذارند.

پای اتحاد شوروی را در چنین شرایطی بطور مصنوعی به‌همان کشیدن یعنی خارج کردن امپریالیسم آمریکا از زیرضربه. عین همان «اردک»‌هایی، که گویا شوروی‌ها به رشت می‌فرستند! تز مائوئیستی «سازش دوا بر قدرت» تنها در ایران تبلیغ نمی‌شود. هر جا که آمریکا رسوا شده است و نیروهای خلقی ماهیست حقیقی آن را شناخته‌اند، سعی می‌شود که مردم را از جنبه جهانی ضد امپریالیستی منحرف و ناامید کنند و در واقع آنها را به ضرورت همکاری با غرب «قانع» سازند.

در اینجا باید پرسید اگر واقعا فرقی بین شرق و غرب نیست و روابط میان آمریکا و اتحاد شوروی همانطور است که میان آمریکا و انگلستان و ... پس اصلاً چرا چنین جنبه‌گیری بوجود آمده است؟ آخر این چه منطقی است که آنگولا، که دائم به مبارزه با توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و پاراننش مشغول است، از اتحاد شوروی کمک می‌گیرد، در حالی که گویا اتحاد شوروی و آمریکا با هم سازش کرده‌اند و یکی هستند!

جالب اینجاست که کسانی که از همه بیشتر درباره «سازش دوا بر قدرت» صحبت می‌کنند، از همه بیشتر هم اتحاد شوروی را مورد حمله قرار می‌دهند. در همین سخنرانی دیروز آقای بنی‌صدر دیدیم، که چطور سعی شد اتحاد شوروی مقصر همه بدبختی‌های ما جلوه داده شود: از جنبش جنگل گرفته تا کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد!

تز «سازش دوا بر قدرت» تازه به اتحاد شوروی ختم نمی‌شود. آقای قطب‌زاده و دیگر لیبرال‌ها سعی کردند به بهانه آن‌که کشورهای «جنبه‌س» پایاداری» وابسته به «بر قدرت روس» هستند، ما را از استقرار روابط نزدیک با آنها بازدارند و در عوض در پی تحکیم مناسبات با ترکیه و پاکستان غیروابسته (۱) باشند. یا این‌که بودند و هستند کسانی که امپریالیست‌های اروپای غربی و ژاپن را بهترین دوستان ما علیه «بر قدرت» می‌دانند! امیدواریم که عناصر صادقی که ناگاهانه بدم تز مائوئیستی امپریالیستی «سازش دوا بر قدرت» افتاده‌اند، هرچه زودتر به خطرات این دسیسه پی ببرند و دوستان بین‌المللی انقلاب ایران را بهتر بشناسند.

برقراری اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

آقای حجتی کرمانی!

اظهارات شما درباره حزب توده ایران، در شأن شما و به مصلحت انقلاب نیست!

آقای محمدجواد حجتی کرمانی، نماینده مجلس شورای اسلامی ایران، در يك مصاحبه مطبوعاتی در تاریخ ۲۹ بهمن ماه ۵۹، از جمله در مورد وقایع اخیر کرمان گفته است:

«چماق را بگذار تا معلوم شود چماقدار اصلی کیست. چون وقتی چماق در دست تو باشد برادر، یکسدهای از آنسها، از توده ایها ریش می گذارند و تو را به جان ما می اندازند. من در کرمان شاهد بودم و دیدم افرادی که از شهرهای دیگر آمده بودند برای تحریک، افرادی را در جاهای مختلف مستقر کرده بودند و علامت میدادند برای اینکه سخنرانی را بهم بزنند. من و امثال مرا که امام امت می شناسد، ضد مکتب می شویم و آن آقایان فرصت طلب پیشور شیان رجالة چماق بدست طرفدار مکتب میشوند.» (میزان، ۳۰ بهمن ۱۳۵۹)

اظهارات آقای حجتی کرمانی درباره حزب توده ایران موجب تأسف و تحیر است. گذشته از این، بنظر ما این اظهارات خلاف واقع و خلاف اخلاق، در شأن آقای حجتی کرمانی نیست، که يك فرد مسئول و نماینده مجلس شورای اسلامی نیز هست. ما نمیدانیم که چه عواملی موجب بیان این اتهامات بی پایه و بیدلیل و دشنام های ناروا علیه حزب توده ایران شده است، اما امیدواریم که تنها بی اطلاعی به حقایق موجود، منشأ این اظهارات بوده باشد، هر چند از آقای حجتی کرمانی، انتظار نمیرود که چنین از واقعیات بی اطلاع باشند و یا بدون هیچ دلیل به دام تحریکات و تفرقه افکنی ها و اطلاعات نادرست گرفتار شوند.

از آنجا که گوینده این اظهارات

که طبق معمول «میزان» را بسیار خوش آمده و با قوتی درشت آنها را منعکس کرده است و همین خود باید برای آقای حجتی کرمانی هشدار باشد - آقای محمدجواد حجتی کرمانی است و مسامحه امیدواریم که تنها سوء تفاهم و بی اطلاعی، محرک بیان آنها باشد، تذکرات چندی را لازم میدانیم:

نخست آنکه حزب توده ایران مشی اصولی و انقلابی روشن و بدون ابهامی دارد، که چهل سال است از آنها قاطعانه دفاع میکند و برای پیشبرد آن، که چیزی جز نیل به استقلال و آزادی و ترقی و رفاه مردم ایران نیست، هزارها شهید داده است. براساس همین مشی اصولی و انقلابی، حزب توده ایران با صمیمیت و قاطعیت و فداکاری از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران پشتیبانی کرده و میکند. حداقل شهدای حزب توده ایران در جبهه جنگ عادلانه با تجاوز امریکائی رژیم جنایتکار صدام گروا آتست که این پشتیبانی درحرف نیست، در عمل است، فرصت طلبی نیست، یقینت اینار جان است. بدینسان، اتمام توطئه گری و دورویی و فرصت طلبی با هیچ وصله ای به حزب توده ایران نمی چسبد.

دوم آنکه، حزب توده ایران به گواهی اسناد و مدارک بیشمار، که تقریباً هرروزه در صفحات نامۀ «مردم» ارگان مرکزی منعکس میشود، چماقداری را عملی خلاف قانون و ضدانقلابی دانسته، آنرا صریحاً محکوم کرده و سرمنشأ اصلی آنرا ضد انقلاب دانسته است. حزب توده ایران پیگیرترین مدافع قانون و امنیت قضائی بوده است و حتی در مقابل دشمنان سوگند خورده و مخالفان کینه توز خود نیز بکار بردن شیوه چماقداری را محکوم کرده و

با استفاده از زمینه سازی گروهکهای مائوئیست: ضد انقلاب بندرعباس را به آشوب کشید

ضدانقلاب با استفاده از زمینه سازی گروهکهای مائوئیست آمریکائی بندرعباس را به آشوب کشاند. براساس اخبار رسیده از بندرعباس روز چهارشنبه گذشته گروهکهای مائوئیستی آمریکائی مانند «پیکار» «زمندگان» و ... همراه با آثارسیستهای «اشرف دهقانی» و «چپناهای اقلیت» به بهانه بزرگداشت شهیدا گل سرخی و دانشجویان نمایشگاههای خیابانی برپا کردند. این نمایشگاهها پر بود از توهین و کینه نسبت به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران. همین امر سبب شد که، از طرفی، مسلمانان پیرو خط امام، به این توهینها اعتراض کنند و از طرف دیگر، ضدانقلابیون موفق شوند با استفاده از جو موجود افراد ناآگاه را تحریک کنند. در نتیجه ضدانقلاب توانست بایک توطئه سازمان داده شده و بازی دادن افراد به نمایشگاهها حمله کند و این بهانه ظاهری را داشته باشد که گویا از انقلاب دفاع می کند. از جانب دیگر مائوئیستهای آمریکائی هم به زد و خورد پرداختند و در نتیجه نقشه شوم ضد انقلاب اجرا و بندرعباس به آشوب کشانده شد و چندین نفر در درگیریها زخمی شدند.

روز بعد بدعت روحانیت مبارز و سپاه پاسداران برای محکوم کردن گروهکها راهپیمائی انجام شد. متأسفانه در این راهپیمائی علیه حزب توده ایران، که بنا بر سیاست اصولی خود در این درگیریها شرکت نداشته و نخواهد داشت، شعارهایی داده شد. ضدانقلاب نیز با استفاده از جو موجود به کیوسک فروش نشریات حزب توده ایران در میدان برق حمله کرد. در این حمله کیوسک بکلی نابود شد و نزدیک به سه هزار تومان کتاب از میان رفت. حزب توده ایران ضمن ابراز تأسف عمیق از اجرای نقشه ضد انقلاب در بندرعباس اعلام میدارد که هرگونه درگیری و تشنج بود دشمن اصلی خلق ایران-امریالیسم خونخوار آمریکاست. حزب توده ایران به نیروهای طرفدار انقلاب و خط امام خمینی رهبر انقلاب هشدار میدهد که یکی از توطئه های گروهکهای مائوئیست علاوه بر زمینه سازی برای تشنج، بدین کردن نیروهای طرفدار انقلاب به هم و ایجاد تفرقه در جبهه خلق است.

برای مقابله با تجاوز نظامی آمریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

توجه!

مقالات زیر، که در روزهای اخیر در نامۀ «مردم» انتشار یافت، برای مطالعه ویژه رفقا توصیه میشود:

- ما به آقای بنی صدر، که اینقدر از «آزادی» سخن میگویند، برای چندمین بار پیشنهاد می-کنیم که با ما به مناظره بنشینند! (شماره ۴۴۹)؛
- دو نکته اساسی درباره سیاست خارجی (شماره ۴۴۳).

کمک مالی به حزب توده ایران، یک وظیفه انقلابی است!

بنابوصیت مرحومه فاطمه خدایندۀ يك قطعه سکه طلا

روشنك، ن ۱۰۰۰۰ ریال
یورا، پ ۵۰۰۰ ریال
در جشن عروسی ش و م ۵۰۰۰۰ ریال

علاقتمندان می توانند کمک مالی خود را بحساب بانکی به نام تقی کیمنش و به شماره ۳۲۳۲ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه دهخدا)، خیابان شهید دکتر حسین فاطمی بپردازند

از برخورد قانونی و مبارزه اصولی پشتیبانی کرده است.

سوم آنکه حزب توده ایران خود پیش و پیش از همه نیروهای دیگر از چماقداری رنج برده و زیان دیده است. آقای حجتی کرمانی قاعدتا باید بداند که طی دو ساله پس از انقلاب حزب توده ایران، اماکن، کیوسکها و دفاترش آماج اصلی و منم چماقداران بوده است و هم اکنون نیز صدها دفتر حزب و نامۀ «مردم» در تهران و شهرستانها بواسطه همین آفت، در محاق تعطیل و یا فشار هستند. دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران و دفتر مرکزی نامۀ «مردم»، که هنوز در اختیار حزب توده ایران قرار ندارند، را چماقداران اشغال و ویران کردند.

این - حداقل - نهایت بی انصافی و حد اکثر، افرای آشکار است که حزبی را، که خود پیش از همه از چماقداران ضدانقلابی زیان دیده و بیش از همه خطر این پدیده ناسالم را متذکر شده، محرک چماقداری بنامند.

چهارم آنکه منابع اطلاعاتی آقای حجتی کرمانی بیشک نتوانند توانست حتی يك توده ای را که محرک چماقداران باشد، به ایشان و به مردم معرفی کنند. آنها از این اعمال خود هدف معینی دارند و آن بدنام کردن حزب توده ایران، ایجاد سوء ظن، بدبینی و تفرقه میان نیروهای انقلابی و بالنتیجه کمک به پیشبرد مقاصد ضد انقلاب است.

ما از آقای محمدجواد حجتی کرمانی می خواهیم که به این تذکرات توجه کنند و از دامهای تفرقه افکنان و توطئه گران بپرهیزند.

دومین آزمایش هسته ای رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی

روزنامۀ نیویورک تایمز گزارش داد که ظاهراً آفریقای جنوبی، دومین آزمایش هسته ای خود را انجام داده است. این روزنامۀ نوشت که ماهواره های جاسوسی آمریکا روز ۱۶ دسامبر گذشته، یک شعله فروزان در جنوب اقیانوس اطلس را ثبت کردند. بنا به گزارش ماموران اطلاعاتی آمریکا، ممکن است این شعله ناشی از يك انفجار هسته ای باشد.

چندی پیش روزنامه های آمریکائی اعلام کرده بودند که آفریقای جنوبی دومین آزمایش هسته ای خود را انجام داده است. تدارکات هسته ای رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی کشورهای آفریقای را جدا نگران ساخته است. کشورهای غربی و اسرائیل به تدارکات تسلیحاتی و هسته ای آفریقای جنوبی کمک می کنند.

ملاقات و مذاکرات وزیران امور خارجه اتحاد شوروی و جمهوری سوسیالیستی رومانی

دراطلاعیه ای که بمناسبت ملاقات و گفتگوهای آندره گرومیکو، وزیر امور خارجه اتحاد شوروی، با استپان آندری، وزیر امور خارجه جمهوری سوسیالیستی رومانی، انتشار یافته، گفته میشود که طرفین روی اهمیت جلوگیری از مسابقه تسلیحاتی و از میان بردن کانونهای خطر جنگ و ادامه روند تشنج زدایی تاکید کردند.

وزیران امور خارجه دو کشور در بررسی اوضاع اروپا خاطر نشان ساختند که برای تامین امنیت در این قاره و اجرا و تثبیت موافقت نامه های هلسینکی، کوشش بیشتری باید بکار برده شود. طرفین نتایج کار گردهمایی مادرید را مثبت ارزیابی کردند و خاطر نشان ساختند که اصول مورد توافق شرکت کنندگان در این گردهم آئی، درباره تشکیل کنفرانس تشنج زدایی نظامی و خلع سلاح در اروپا، دارای اهمیت فراوانی است.

کاهش میزان اعتبارات امور اجتماعی در انگلستان

موجب نارضایتی روزافزون اهالی کشور گردیده است. به همین علت دربرابر پارلمان انگلیس تظاهراتی به نشانه اعتراض برپا گردید. تظاهر کنندگان طی قطعنامه ای از دولت خواستند که برای رفع بیکاری روزافزون و بهبود وضع زندگی زحمتکشانش تدابیر جدی اتخاذ کنند.

بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی روز چهارم اسفند در مسکو گشایش می یابد

در بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی که روز ۲۳ فوریه (۴ اسفند) در مسکو گشایش می یابد ضمن جمع بندی ترقیات جامعه شوروی در زمینه های اقتصادی و سیاسی و فرهنگی طی پنجاه گذشته، هدف های جدید سیاست داخلی و خارجی و خطوط اصلی راه پیشرفت اقتصادی و اجتماعی اتحاد شوروی در سالهای آینده مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت. مهم ترین مسائل سیاست بین المللی، دفاع از صلح و رویارویی با امریالیسم مورد بحث کنگره قرار خواهد گرفت. از بسیاری کشورهای جهان هیئت های نمایندگی احزاب کمونیست و کارگری برای حضور در این کنگره وارد مسکو میشوند.

شرکت مستشاران نظامی آمریکا در عملیات سرکوب جنبش میمن پرستان السالوادور

مستشاران نظامی آمریکا که فرماندهی واحدهای ارتش السالوادور را بعهده دارند مستقیماً در عملیات سرکوب میمن پرستان این کشور که علیه رژیم دست نشانده آمریکا قیام کرده اند شرکت میکنند. بعلاوه دولت ریگان بر میزان کمکهای نظامی به رژیم السالوادور افزوده است.

طبق گزارش مطبوعات، واشنگتن سعی دارد متحدین اروپائی خود را وادار کند در مداخله نظامی آمریکا علیه السالوادور شرکت کنند. روزنامه لوماتن چاپ پاریس در این مورد مینویسد فرانسه و انگلستان و آلمان غربی مایل نیستند که آمریکا بعنوان زاندارم در سرکوب جنبشهای خلقی از آنها استفاده کند.

خوانندگان گرامی نامۀ «مردم» و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامۀ «مردم» مکاتبه کنند:

صندوق پستی ۱۴/۳۵۵۱، منطقه پستی تهران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی

خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸ (دفتر نامۀ «مردم» هنوز در اختیار نامۀ «مردم» نیست)

NAMEH MARDOM
No. 450
22 February 1981

Price:
West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts
Sweden 1.50 Skr.